



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سپہا جا فرشتگان

از جاناہ شکر و شہر الفت

با نظریات دیگر همه چیز را
به آینه‌های خدا نگاه کن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای فرشتگان

نویسنده:

لیلا حمداللهی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سیمای فرشتگان (در قرآن و نهج البلاغه)
۸	مشخصات کتاب
۹	فهرست مطالب :
۱۴	مقدمه ناظر و ناشر:
۱۹	مقدمه مؤلف :
۲۰	تعریف فرشته از دیدگاه قرآن کریم
۲۱	خلقت ملائکه
۲۲	ملائکه در قرآن (ویژگی های ۱۰ گانه ملائکه)
۲۶	چند دسته از فرشتگان
۳۱	فرشتگان «کرام» و «برره»
۳۳	فرشتگان شایسته فرمانبردار
۳۷	بالهای فرشتگان
۳۹	آیا رسالت فرشتگان تکوینی است یا تشریعی؟
۴۰	کارگزاران خلقت و انواع آن ها
۴۱	فرشتگان محافظ انسان
۴۹	فرشتگان ثبت اعمال
۵۶	فرشتگانی که حساب و کتاب عمر آدمیان را دارند
۵۷	فرشتگانی که آماده انجام مأموریتند
۵۹	فرشتگانی که دائم در سجده اند
۶۰	فرشتگان حامل عرش و تعداد آنها
۶۵	فرشتگان عذاب و تعداد آنها
۶۶	فرشتگان مرگ و فرشتگان مأمور تدبیر جهان
۷۰	فرشتگانی که شفاعت می کنند (شفاعت ملائکه)

- ۷۲ فرشتگان حامل وحی
- ۷۴ فرشتگانی که تسبیح برای خدا و استغفار برای اهل زمین دارند
- ۷۸ عدد لشگریان پروردگار
- ۸۱ عصمت ملائکه
- ۸۳ سجود تشریعی ملائکه
- ۸۵ عروج فرشتگان
- ۸۷ ممثل و دیده شدن ملائکه
- ۸۸ فرشتگان عالم بالا از چه چیزی بحث می کنند؟
- ۹۰ فرشتگان چه اموری را تقسیم می کنند؟
- ۹۱ چگونه فرشتگان در میدان ها وارد جنگ می شوند؟
- ۹۳ آیا فرشتگان جنگیدند؟
- ۹۴ چرا فرشتگان را فرزندان خدا می نامند؟
- ۹۶ چرا فرشتگان را بصورت زن و دخترترسیم می کنند؟
- ۹۹ چهار فرشته مقرب الهی
- ۱۰۱ پنج وصف برای جبرئیل
- ۱۰۴ جبرئیل فرشته وحی و اوصاف او
- ۱۰۶ جبرئیل معلم پیامبر بود یا نه؟
- ۱۰۷ روح فرشته ای برتر از جبرئیل و میکائیل
- ۱۰۸ قیام فرشتگان
- ۱۱۰ ماجرای هاروت و ماروت دو ملک بزرگ الهی
- ۱۱۴ ملائکه و جنّ
- ۱۱۶ مطالب بیان شده درباره فرشتگان در کلّ قرآن
- ۱۲۴ سیمای فرشتگان در نهج البلاغه
- ۱۲۶ ویژگی های فرشتگان ، اقسام فرشتگان ، تواضع فرشتگان ،
- ۱۳۳ فرشته شناسی ، وصف فرشتگان ، حضور ملائکه در همه جا ، ویژگی های ملائکه
- ۱۳۴ عجز انسان از درک فرشتگان (فرشته مرگ)

- ۱۳۴ ----- درباره ملانکه ثبت کننده اعمال انسان
- ۱۳۵ ----- درباره ملانکه و ثبت اعمال بشر
- ۱۳۶ ----- درباره فرشتگان محافظ در زندگی انسان
- ۱۳۷ ----- فهرست منابع و مآخذ
- ۱۴۲ ----- درباره مرکز

سیمای فرشتگان (در قرآن و نهج البلاغه)

مشخصات کتاب

حمداللهی، لیلا، 1357 - .

سیمای فرشتگان (در قرآن و نهج البلاغه) / به اهتمام لیلا

حمداللهی؛ با نظارت محمدیستونی . - تهران: بیان جوان، 1382

125 ص.

ISBN - 964 - 94702 - 7 _ 1

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص 122 - 125؛ همچنین به صورت زیرنویس.

1. فرشتگان (اسلام). الف. بیستونی، 1337

- .ب.عنوان.

9 س 8 ح / BP467/297 226

کتابخانه ملی ایران 14107-82م

ناشر: انتشارات بیان جوان

عنوان: سیمای فرشتگان (در قرآن و نهج البلاغه)

تألیف: لیلا حمداللهی

با نظارت: دکتر محمد بیستونی

حروفچینی: مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

چاپ و صحافی: نگار اسکندر

نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان 1382

شمارگان: 3000 نسخه

هرگونه نسخه برداری و چاپ از این کتاب جهت توسعه و نشر فرهنگ قرآنی با اجازه کتبی مؤلف و ناشر بلامانع است .

نشانی: تهران_ خیابان میرداماد_ خیابان شهیدامیر سهیل تبریزیان_ خیابان نازنین_ شماره 11، تلفکس 2228296 و
09112085322

Email : DR_M_BISTOONI@FaraCo.com

ص: 1

فهرست مطالب :

موضوع ----- صفحه

ملائکه از دیدگاه قرآن کریم... 3

مقدّمه ناظر و ناشر... 4

مقدّمه مؤلف... 9

تعریف فرشته از دیدگاه قرآن کریم... 10

خلقت ملائکه... 11

ملائکه در قرآن (ویژگی های ملائکه)... 12

چند دسته از فرشتگان... 16

صفات فرشتگان... 18

فرشتگان «کرام» و «بررة»... 21

فرشتگان شایسته فرمانبردار... 23

بالهای فرشتگان... 27

آیا رسالت فرشتگان تکوینی است یا تشریحی؟ ... 29

کار گزاران خلقت... 30

فرشتگان محافظ انسان... 31

فرشتگان ثبت اعمال... 39

فرشتگانی که آماده انجام مأموریتند... 47

فرشتگانی که دائم در سجده اند... 49

فرشتگان حامل عرش و تعداد آنها... 50

فرشتگان عذاب و تعداد آنها... 55

فرشتگان مرگ و فرشتگان مأمور تدبیر جهان... 56

فرشتگانی که شفاعت می کنند (شفاعت ملائکه)... 60

فرشتگان حامل وحی... 62

فرشتگانی که تسبیح برای خدا و استغفار برای اهل زمین دارند... 64

عدد لشگریان پروردگار... 68

عصمت ملائکه... 71

سجود تشریحی ملائکه... 73

ص: 1

عروج فرشتگان... 75

ممثل و دیده شدن ملائکه... 77

فرشتگان عالم بالا از چه چیزی بحث می کنند؟... 78

فرشتگان چه اموری را تقسیم می کنند؟... 80

چگونه فرشتگان در میدان ها وارد جنگ می شوند؟... 81

آیا فرشتگان جنگیدند؟... 83

چرا فرشتگان را فرزندان خدا می نامند؟... 84

چرا فرشتگان را به صورت زن و دختر ترسیم می کنند؟... 86

چهار فرشته مقرب الهی... 89

پنج وصف برای جبرئیل... 91

جبرئیل فرشته وحی و اوصاف او... 94

جبرئیل معلم پیامبر بود یا نه؟... 96

روح فرشته ای برتر از جبرئیل و میکائیل... 97

قیام فرشتگان... 98

ماجرای هاروت و ماروت دو ملك بزرگ الهی... 100

ملائکه و جن... 104

مطالب بیان شده درباره فرشتگان در كل قرآن... 106

سیمای فرشتگان در نهج البلاغه... 112

شگفتی خلقت فرشتگان و تسبیح فرشتگان و شناخت ملائکه... 112

ویژگی های فرشتگان ، اقسام فرشتگان ، تواضع فرشتگان،

صفات والای فرشتگان ، پاك بودن فرشتگان از رذایل

اخلاقی، فراوانی راز و نیاز ملائکه و روانشناسی ملائکه... 114

فرشته شناسی، وصف فرشتگان، حضور ملائکه در همه جا، ویژگیهای ملائکه... 121

عجز انسان از درك فرشتگان (فرشته مرگ)... 122

درباره ملائکه ثبت کننده اعمال انسان... 122

درباره ملائکه و ثبت اعمال بشر... 123

درباره فرشتگان محافظ در زندگی انسان... 124

فهرست منابع و مآخذ... 125

ص: 2

قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قانون اساسی دین مبین اسلام «هُدًى لِلنَّاسِ» است (1) و برای راهنمایی همه مردم نازل شده است. بر همین اساس دعوت پیامبران نیز با همان زبان معمولی و رایج که برای همه گروه های سنی و تحصیلی قابل فهم باشد صورت می گرفته و هرگز از کلمات پیچیده و مرموز و نامفهوم برای ایجاد ارتباط با مردم استفاده نمی کردند. قرآن کریم به این روش شایسته تبلیغ و ارشاد طبقات مختلف مردم صراحت داشته می فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ... (2) (ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان عادی قومش تا بتواند به سادگی با مردم ارتباط برقرار کرده و حقایق را برای آن ها آشکار سازد).

بنابراین باید روش های متنوع و جدیدی ارائه شود تا مخاطبین دبستانی تا دانشگاهی قرآن کریم یعنی همان مصادیق مختلف واژه «ناس» بتوانند متناسب با درك و فهمشان «پیام قرآن» را دریابند و با آن ارتباط برقرار کنند و از طریق «تدبّر و تفکّر»، با آن «مأنوس» شوند یعنی خود را مخاطب قرآن قرار دهند و ثمره این انس، تجلّی محتوای قرآن در

ص: 4

1- 185 / بقره.

2- 4 / ابراهیم.

رفتار و گفتار آن ها باشد .

از سوی دیگر در سه آیه شریفه ، قرآن خود را به عنوان «شفابخش» معرفی نموده (1) و قرآن ناطق علی بن ابیطالب علیه السلام نیز در خطبه های متعددی ، قرآن عظیم را «نسخه شفابخش همه دردهای انسان ها» می داند . (2)

اینجانب در پاسخ به نیاز روزافزون جامعه خصوصا جوانان عزیز، برای اولین بار روش انس با قرآن ویژه جوانان از طریق «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» [Refrence guide of Quran Sources] را ابداع نموده و به ثبت رساندم .

این روش جدید ، حاصل تجارب عملی 20 ساله این حقیر در تدریس جلسات تفسیر موضوعی قرآن کریم می باشد که فقط در طول یکسال گذشته حدود 3000 نفر به صورت حضوری آن را فراگرفته اند و مورد استقبال گسترده واقع شده است . به کمک این روش که در يك جلسه حضوری سه ساعته یا با مطالعه کتاب منتشر شده «روش انس با قرآن» به سادگی قابل یادگیری است ، به سرعت و سادگی امکان «مراجعه موضوعی» به تفاسیر قرآن کریم حتی برای «قرآن پژوهان جوانی که با زبان عربی آشنا نیستند» فراهم می گردد .

ص: 5

1- آیات 57 / یونس ، 82 / اسراء و 44 / فصلت .

2- خطبه های 110 ، 158 ، 176 ، 198 ، 199 ، 100 و

«روش انس با قرآن» مانند آموزش ماهیگیری به خریداران ماهی است و حضور در کلاس های تفسیر قرآن کریم همچون استفاده از ماهی یعنی به جای آن که فقط يك نفر يا يك گروه «ماهی بگیرند» و گروه دیگری فقط «مصرف کننده» باشند، آیا بهتر نیست «روش ماهیگیری، قایق سواری و شنای در دریا» را یاد بگیریم و به دیگران نیز آموزش دهیم؟ زیرا در اینصورت به جای يك ماهیگیر، هزاران ماهیگیر جوان خواهیم داشت و بجای مصرف ماهی صید شده توسط دیگران، خودمان ماهی را صید می کنیم که لذتی مضاعف دارد.

در کار با تفسیر قرآن نیز استدلال همین است . بنده ضمن آنکه برگزاری جلسات تفسیر قرآن را کار مقدس و مبارکی می دانم، اعتقاد دارم بهتر است با توجه به کمبود وقت مردم خصوصا جوانان عزیز، به خود آن ها روش مراجعه موضوعی فوری به تفسیرهای قرآن کریم را آموزش دهیم تا در هر فرصت مناسب، در صورتی که حال و حوصله و نشاط داشته باشند، خودشان بدون حضور مکرر به استاد، ابزار کار را در دست گرفته و در دریای زیبا و سراسر شگفتی و عظمت قرآن کریم وارد شوند . آنگاه خواهند دید که مراجعه مستقیم به قرآن کریم و تفسیرهای فراوان و متنوعی که هر کدام گلی از این گلستان زیبا را مورد ارزیابی و تشریح قرار داده اند،

ص: 6

چه لذت عمیق و پایداری را در سراسر وجود آن‌ها ایجاد خواهد کرد و همین تکرار دل‌نهادن به دریا و راز و نیاز با امواج آرام بخش آن موجب «انس با دریا» خواهد شد که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد و این همان چیزی که ما تحت عنوان «روش انس با قرآن» به دنبال آن هستیم.

هم‌اکنون «کارگاه‌های آموزشی مفسرین جوان» با نظارت و برنامه‌ریزی «مؤسسه قرآنی تفسیر جوان» و مسئولین محترم مراکز قرآنی در بسیاری از دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و مراکز دولتی و خصوصی راه‌اندازی شده است.

در کارگاه‌های یادشده پس از آن که قرآن پژوهان عضو، روش انس با قرآن را فراگرفتند یک موضوع به انتخاب خود آن‌ها مشخص می‌گردد تا با ارائه تحقیق موضوعی از قرآن کریم مهارت خود را تجربه کنند. در طول مدت آموزش و تحقیق، نظارت تخصصی بر پروسه تحقیق صورت می‌گیرد و در پایان اثر نهایی توسط مؤسسه قرآنی تفسیر جوان آماده‌سازی و با حمایت و سرمایه‌گذاری «انتشارات قرآنی بیان جوان» تحقیقات متین و کاربردی قرآن پژوهان جوان چاپ و منتشر می‌گردد.

کتابی که ما و شما هم‌اکنون در محضر آن هستیم یکی از ثمرات ارزنده «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» در تهران می‌باشد که توسط قرآن پژوه جوان

و لایق سرکار خانم لیلا حمداللّهی براساس طرح «روش انس با قرآن» تألیف شده و محور تحقیق بحث جذّاب و خواندنی و کاربردی «سیمای فرشتگان در قرآن و نهج البلاغه» می باشد .

مؤلف محترمه این کتاب با بررسی تمامی آیاتی که درباره فرشتگان مطلبی داشته اند تحقیق جامعی را از تفاسیر معتبر بعمل آورده و «تحقیق موضوعی» خود را با فرمایشات مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب مزین ساخته و در مجموع اثری را به نسل جوان ارائه نموده که بدون شك با مطالعه و توجه به وظایف دو جانبه انسان ها و فرشتگان ، می تواند تأثیر عمیقی در زندگی و رفتار آن ها داشته باشد .

امیدوارم خداوند مدّان این قبیل تلاش های قرآنی را برای روزی ذخیره نماید که به جز نیت و عمل خالصانه هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود .

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

و مدیر مسئول انتشارات بیان جوان

تهران - شهریور ماه 82

ص: 8

صحبت کردن درباره وجود، خلقت، مأموریت ها، وظایف، انواع، مذکر یا مؤنث بودن فرشتگان جز با رجوع به آیات قرآن و استناد به منبع وحی الهی هیچ گونه جاهت علمی و عقلی ندارد. اکنون که قدم در راهی بی پایان گذاشته ایم و سخن از داستانی بی انتها آغاز کرده ایم بسی مغتنم است که اولین تلاش خود را به حاملان وحی الهی و مأموران و گردانندگان کون و مکان یعنی فرشتگان اختصاص دهیم و با نگارش این مطالب زوایایی هرچند کوچک و اندک از سیمای فرشتگان را در آیات الهی و نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام که تأویل کننده راستین آیات نورانی قرآن کریم است، معرفی کنیم.

بی شک این نوشتار به جهت اینکه اولین تجربه نوشتاری بنده می باشد خالی از اشکال نخواهد بود.

لیکن از اینکه با راهنمایی و ارشادات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر بیستونی جرأت نوشتن را پیدا کرده ام، خدای را شاکرم و امیدوارم در سایه توجهات ایزد مّتان و با معاضدت و پشتیبانی فکری و معنوی همسرم جناب آقای رحیم خاکی که خود از اهل قرآن می باشند بتوانم خدمتی هرچند ناچیز به علاقمندان آشنایی با مفاهیم قرآن برداشته باشم.

لیلا حمداللّهی

تهران _ خرداد ماه 82

تعریف فرشته از دیدگاه قرآن کریم

فرشته در قرآن کریم تحت عنوان ملك و ملائکه مطرح شده است «مَلَكٌ» در لغت به معنی فرشته و جمع آن ملائکه است .

اکثر علماء معتقدند که آن از «الوك» مشتق است و الوك به معنی «رسالت» می باشد .

در صحاح از کسائی نقل شده : اصل ملك «مالك» است از الوك به معنی رسالت سپس لام به جای همزه آمده و «ملاك» شده و آنگاه همزه در اثر کثرت استعمال حذف شده و ملك گشته است و در وقت جمع همزه را آورده و «ملائکه» گفته اند .

به هر حال ملك به صورت مفرد و تثنیه و جمع در حدود 80 بار در قرآن مجید آمده است و مراد از آن پیوسته فرشته و فرشتگان است و اگر آن از الوك باشد شاید بدین جهت است که هر يك از ملائکه رسالت بخصوصی دارند چنانکه در سوره فاطر آیه (1) می فرماید :

« جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَّةَ ۖ وَرُبِعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » .

خداوندی که فرشتگان را رسولانی قرار داد که صاحب بال های دوگانه ، سه گانه ، چهارگانه اند ، او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید ، او بر هر چیزی قادر است .

و در سوره حج آیه 75 می فرماید: « اَللّٰهُ يَصْطَفِيْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَّ مِنْ النَّاسِ » خداوند از فرشتگان رسولانی برمی گزیند و همچنین از انسان .

ظاهراً راجع به آوردن وحی می باشد که رسولی از ملائکه ، وحی را به پیامبران می آورد و رسولی از مردم آن را به انسان ها می رساند (1).

خلقت ملائکه

در اینکه ملك از چه چیزی خلق شده در قرآن کریم مطلبی نیست فقط درباره جنّ هست که از آتش به خصوصی آفریده شده است .

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه هنگامی که سخن از عظمت فرشتگان پروردگار در میان است می فرماید: «بعضی از فرشتگان چنان عظمت دارند که پاهایشان در طبقات پایین زمین ثابت است و گردنشان از آسمان برین برتر ، ارکان وجودشان از اقطار جهان بیرون رفته و شانه هایشان برای حمل عرش پروردگار متناسب است» پیداست که این گونه تعبیرات را بر جنبه های جسمانی مادی نمی توان حمل کرد بلکه بیانگر عظمت معنوی و ابعاد قدرت آنها است .

ص: 11

بدون شك با این اوصاف فرشتگان نمی توانند از این ماده کثیف عنصری باشند ولی مانعی ندارد که از اجسام لطیف آفریده شده باشند .
اجسامی مافوق این ماده معمولی که ما با آن آشنا نیستیم .

اثبات «تجرّد مطلق» برای فرشتگان حتی از زمان و مکان و اجزاء کار آسانی نیست . مهم آن است که ما فرشتگان را به اوصافی که قرآن و روایات مسلم اسلامی توصیف کرده شناسیم و آن ها را صنف عظیمی از موجودات والا و برجسته خداوند بدانیم بی آنکه مقامی جز مقام بندگی و عبودیت برای آنها قائل باشیم و آنها را شریک خدا در خلقت و عبادت بدانیم که این شرك و کفر محض است .

ملائکه در قرآن (ویژگی های 10 گانه ملائکه)

به طور کلی قرآن مجید ویژگی های فرشتگان را چنین بیان می کند :

- 1_ فرشتگان موجوداتی عاقل و باشعورند و بندگان گرامی خدا هستند (بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ) (1).
- 2_ فرشتگان سربه فرمان خدا دارند و هرگز معصیت نمی کنند (لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ) (2).

ص: 12

1- آیه 26 / سوره انبیاء.

2- آیه 27 / سوره انبیاء .

3_ آنها پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس خداوند هستند چنانکه می خوانیم: «فرشتگان تسبیح و حمد پروردگار خود را به جای می آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند» (1).

4_ با این حال انسان به حسب استعداد تکامل از آن ها برتر و والاتر است تا آن جا که همه فرشتگان بدون استثناء به خاطر آفرینش آدم به سجده افتاند و آدم معلّم آن ها گشت .

5_ آن گاه به صورت انسان درمی آیند و بر انبیاء و حتی غیرانبیاء ظاهر می شوند «فرشته بزرگ الهی به صورت انسان موزون بر مریم ظاهر شد» (2) و در جای دیگر آمده «به صورت انسان هایی بر ابراهیم و بر لوط ظاهر شدند» (3) .

آیا ظهور در چهره انسان يك واقعیت عینی است یا به صورت تمثیل و تصرف در قوه ادراک ؟

ظاهر آیات قرآن معنی اول است یعنی واقعیتی عینی است .

6_ آن ها نه خواب دارند و نه سستی و غفلتمی کنند چنانکه حضرت علی علیه السلام در حدیثی چنین می گوید :

ص: 13

1- آیه 5 / سوره شوری.

2- آیه 17 / سوره مریم .

3- آیه 69 / سوره هود.

«در آنها نه سستی و نه غفلت و نه عصیان است ، خواب بر آن ها چیره نمی گردد و عقل آن ها گرفتار سهو و نسیان نمی شود بدن آن ها به سستی نمی گراید و در صلب پدران و رحم مادران قرار نمی گیرند» (1).

7_ آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند بعضی همیشه در رکوعند و بعضی همیشه در سجودند چنانکه می فرماید : «هریک از ما مقام معلومی دارد ، ما همواره صف کشیده منتظر فرمان او هستیم و پیوسته تسبیح او می گوئیم» (2).

امام صادق علیه السلام می گوید : «خداوند فرشتگانی دارد که تا روز قیامت در رکوعند و فرشتگانی دارد که تا قیامت در سجودند» (3).

8_ از روایات اسلامی استفاده می شود که تعداد آن ها به قدری زیاد است که به هیچ وجه قابل مقایسه با انسان نیست چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم ، هنگامی که از آن حضرت پرسیدند آیا عدد فرشتگان بیشتر است یا انسانها ؟ فرمودند :

«سوگند به خدایی که جانم در دست اوست

ص: 14

1- بحار الانوار جلد 59 ، صفحه 175 .

2- آیات 164 _ 166 / سوره صافات.

3- بحار الانوار ، جلد 59 ، صفحه 174.

فرشتگان خدا در آسمان ها بیشترند از عدد ذرات خاک های زمین و در آسمان جای پای نیست مگر اینکه در آنجا فرشته ای تسبیح و تقدیس خدا می کند» (1).

9_ آنها نه غذا می خورند و نه آب می نوشند و نه ازدواج می کنند .

10_ فرشتگان وظایف مهم و بسیار متنوعی از سوی خداوند برعهده دارند :

_ گروهی حاملان عرشند (17 / حاقه)

_ گروهی مدبرات امرند (5 / نازعات)

_ گروهی فرشتگان قبض روحند (3 / اعراف)

_ گروهی مراقبان اعمال بشرند (10 / انفطار)

_ گروهی حافظان انسان از خطرات و حوادثند (61 / انعام)

_ گروهی مأمور عذاب و مجازات اقوام سرکشند (77 / هود)

_ گروهی امدادگران الهی نسبت به مؤمنان در جنگ ها هستند (9 / احزاب)

_ گروهی مبلغان وحی و آورندگان کتب آسمانی برای انبیاء می باشند (2 / نحل)

حضرت علی علیه السلام در نخستین خطبه نهج البلاغه آنجا که سخن از فرشتگان می گوید : آن ها را به گروه های مختلف تقسیم می کند و می فرماید : «گروهی از آنان در صفوفی که از هم پراکنده

ص: 15

نمی شوند قرار دارند . همواره تسبیح می گویند و خسته نمی شوند ، هیچگاه خواب چشمانشان را نمی پوشاند ، عقولشان گرفتار سهو و نسیان نمی گردد ، سستی بدن دامن آنها را نمی گیرد ، غفلت نسیان بر آن ها عارض نمی شود و گروهی از آنان امنای وحی اویند در زبانهایش به سوی پیامبران» .

چند دسته از فرشتگان

« وَاللَّازِعَاتِ غَرْقًا » : سوگند به فرشتگانی که ارواح مجرمان را به شدت از بدن هایشان می کشند .

« وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا » : و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را بامدارا و نشاط جدا می سازند .

« وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا » : و سوگند به فرشتگانی که در اجرای فرمان الهی با سرعت حرکت می کنند .

« فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا » : و سپس بر یکدیگر پیشی می گیرند .

« فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا » : و آن ها که امور را تدبیر می کنند .

اللَّازِعَاتُ : از ماده (نزع) به شدت چیزی را از جا برمی کنند .

النَّاشِطَاتُ : از ماده (نشط) به آسانی می گشایند و جدا می کنند .

السَّابِحَاتُ : از ماده (سبح) حرکت سریع در هوا می کنند .

السَّابِقَاتُ : از ماده (سَبَقْتُ) سبقت و پیشی می گیرند .

الْمُدْبِرَاتُ : از ماده (تَدبِير) به معنی پیشی و سبقت .

عَرَقًا : بر وزن فَرْق به معنی إِغْرَاق : کشیدن کمان تا آخر .

نَشْطًا : نشاط .

سَبِيحًا : سرعت .

سَبَقًا : تقدّم ، پیش افتادن .

أَمْرًا : کار و چیز ، جمع آن امور است .

در این آیات به پنج موضوع مهم قسم یاد شده و هدف از سوگندها بیان حقیقت و تحقق مسأله معاد است . منظور از این سوگندها «فرشتگانی» است که مأمور قبض ارواح کفّار و مجرمانند که آنها را به شدت از بدن هایشان برمی کشند ، ارواحی که هرگز حاضر به تسلیم در برابر حقّ نبودند و فرشتگانی که مأمور قبض ارواح مؤمنانند که بامدارا و نرمش و نشاط آن ها را جدا می سازند و فرشتگانی که در اجرای فرمان الهی با سرعت حرکت می کنند سپس بریکدیگر پیشی می گیرند و سرانجام امور جهان را به فرمان او تدبیر می کنند .

در روایتی از حضرت علی علیه السلام می خوانیم که در تفسیر آیه اول فرمود : «منظور فرشتگانی است که

ارواح کفار را از بدنهایشان به شدت بیرون می کشند . آن چنانکه تیرانداز ، کمان را تا آخرین مرحله می کشند» (1).

منظور از این سوگندها در مجموع فرشتگان است در رابطه با اجرای کامل فرمان های الهی که اجرای این فرمان ها در پنج مرحله به شرح زیر تحقق می یابد .

– حرکت شدید نخستین به دنبال تصمیم گیری قاطع

– مرحله راه افتادن آرام

– مرحله سرعت گرفتن

– مرحله پیشی جستن

– مرحله تدبیر و سامان دادن امور و کارها

صفات فرشتگان

« وَ مَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ » (2) : هر يك از ما مقام معلومی داریم .

« وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ » (3) : و ما همگی به صف ایستاده ایم .

« وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ » (4) : و ما همگی تسبیح او می گوئیم .

ص: 18

1- نورالثقلین ، جلد 5 ، صفحه 497.

2- آیات 164 _ 166 / سوره صافات.

3- آیات 164 _ 166 / سوره صافات.

4- آیات 164 _ 166 / سوره صافات.

مَقَامٌ: رتبه، مقام، جا

مَعْلُومٌ: مشخص

الصَّافُّونَ: صف ایستاده ایم

المُسَبِّحُونَ: تسبیح و تنزیه خدا از هر بدی می کنیم.

در حقیقت آیات سه گانه فوق به سه قسمت از صفات فرشتگان اشاره می کند: نخست اینکه هر کدام رتبه و منزلتی دارند که از آن تجاوز نمی کنند، دیگر اینکه آنها دائماً آماده اطاعت فرمان خدا در عرصه آفرینش و اجرای اوامراو در پهنه عالم هستی هستند، سوم اینکه آنها پیوسته تسبیح خدا می گویند و او را از آنچه لایق مقامش نیست منزه می شمردند.

قابل توجه اینکه جمعی از مفسران ذیل این آیات حدیثی از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده اند که فرمود:

«در تمام آسمان ها حتی به اندازه يك وجب مکانی وجود ندارد مگر اینکه در آن جا فرشته ای است که نماز می خواند و تسبیح خدا می گوید» (1).

و در نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «روزی به دوستان که در گردش نشسته بودند فرمود: آسمان (از سنگینی بار خود) ناله کرد و حق دارد ناله کند چراکه در آن به اندازه جای پای نیست

ص: 19

مگر اینکه فرشته ای بر آن در حال رکوع یا سجود است» (1).

این تعبیرهای گوناگون کنایه لطیفی است از اینکه عالم هستی پر است از فرمانبرداران پروردگار و تسبیح کنندگان برای او.

در سوره نحل، آیه 50 به دو صفت از صفات فرشته اشاره شده است.

«يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» : آنها از مخالفت پروردگارشان که حاکم بر آنها است می ترسند و آنچه را مأموریت دارند انجام می دهند.

يَخَافُونَ : از ماده (خُوف) می ترسند

فَوْق : بالا

مِنْ فَوْقِهِمْ : اشاره به برتری مقامی دارد.

يَفْعَلُونَ : از ماده (فَعَلَ)، انجام می دهند.

يُؤْمَرُونَ : از ماده (أَمَرَ)، امر شده _ دستور داده شده.

در این آیه خداوند بلافاصله به دو قسمت از صفات فرشتگان که تأکیدی بر نفی استکبار است اشاره کرده و می گوید : آنها در اطاعت فرمان خدا سرپیچی نمی کنند و می ترسند و آنچه را مأموریت دارند به خوبی انجام می دهند.

ص: 20

از این آیه به خوبی استفاده می شود که نشانه نفی استکبار دو چیز است: ترس در برابر مسئولیت ها و انجام فرمان های خدا بدون چون و چرا، که یکی اشاره به وضع روانی افراد غیر مستکبر و دیگری اشاره به طرز عمل آنها و برخوردشان با قوانین و مقررات و دستورات و دومی انعکاسی از اولی و تحقق عینی آن است.

فرشتگان «کرام» و «بررة»

«بِأَيْدِي سَفَرَةٍ» (1): به دست سفیرانی است.

«كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (2): والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار.

أَيْدِي: جمع «يَدٌ» به معنی دست ها.

سَفَرَةٍ: جمع (سافر) به معنی کاتبان، سفیران.

كِرَامٍ: جمع (کریم) به معنی عزیز و بزرگواری.

بَرَرَةٍ: جمع (بار) به معنی وسعت و گستردگی.

«سَفَرَةٍ»: بر وزن طلبه جمع «سافر» از ماده «سَفَرٌ» در اصل به معنی پرده برداری از چیزی است و لذا به کسی که میان اقوام رفت و آمد دارند تا مشکلات آنها را حل کنند و از مبهمات پرده بردارند «سفیر» گفته می شود. به شخص نویسنده هم «سافر» می گویند که بنابراین منظور از «سَفَرَةٍ» در اینجا فرشتگان

ص: 21

1- آیه 15 / سوره عبس.

2- آیه 16 / سوره عبس.

الهی است که سفیران وحی یا کاتبان آیات او هستند . در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود : « الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ » : کسی که حافظ قرآن باشد و به آن عمل کند با سفیران بزرگوار ، فرمانبردار و نیکوکار الهی خواهد بود . (1)

«کرام» به معنی بزرگوار است و اشاره به عظمت فرشتگان وحی در پیشگاه خداوند و بلندی مقام آنها است و گاه گفته شده این تعبیر اشاره به پاکی آنها از هرگونه گناه می باشد .

«بَرَّة» جمع «بار» از ماده «بَرَّ» در اصل به معنی وسعت و گستردگی است و لذا به صحراهای وسیع «بَرَّ» گفته می شود و از آنجا که افراد نیکوکار وجودی گسترده دارند و برکات آنها به دیگران می رسد به آنها «بار» گفته شده البته منظور از نیکوکاری در آیه موردبحث اطاعت فرمان الهی و پاکی از گناه می باشد و به این ترتیب خداوند فرشتگان را به سه وصف توصیف کرده :

_ نخست اینکه آنها سفیران و حاملان وحی الهی اند .

_ دیگر اینکه آنها ذاتا عزیز و گرانمایه اند .

_ سومین وصف پاکی اعمال آنها و اطاعت و تسلیم و نیکوکاری است .

ص: 22

فرشتگان شایسته فرمانبردار

خداوند در سوره انبیاء، آیات 26 و 27 و 28 شش مورد از صفات فرشتگان را بیان کرده می فرماید: « وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ »: آنها گفتند: خداوند رحمن فرزندی برای خود برگزیده منزّه است (از این عیب و نقص) اینها (فرشتگان) بندگان شایسته او هستند.

« لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ » که هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند و به فرمان او عمل می کنند.

« يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ حَشَدِيبِهِ مُشْفِقُونَ » او همه اعمال امروز و آینده آنها را می داند و هم گذشته آنها را و آن ها جز برای کسی که خدا را از او خشنود است شفاعت نمی کنند و از ترس او بیمناک هستند.

قَالُوا: گفتند

اتَّخَذَ: اخذ کرده، برگزیده

الرَّحْمَنُ: بسیار بخشنده

وَلَدًا: فرزند

سُبْحَانَهُ: منزّه و پاک

عِبَادٌ: از ماده «عَبَد» بندگان

مُكْرَمُونَ: شایسته و گرامی داشته شدگان

يَسْبِقُونَ: تقدم می گیرند، پیشی می گیرند

لَا يَسْبِقُونَهُ: پیشی نمی گیرند، سبقت نمی گیرند

ص: 23

قَوْل: سخن، حرف

يَعْمَلُونَ: عمل می کنند

لَا يَشْفَعُونَ: شفاعت نمی کنند

إِذْ تَضَى: به معنی «رضا» است یعنی خشنودی

حَسْبَيْت: ترس توأم با تعظیم و احترام

مُسْتَفْقُونَ: از ماده «إِشْفَاقُ» توجه آمیخته با ترس .

خداوند در این آیه صفات فرشتگان را در شش قسمت بیان می کند:

1_ آنها بندگان خدا هستند .

2_ بندگان شایسته و گرامی داشته شده ، آنها همچون بندگان گریزپا نیستند که تحت فشار تن به خدمت می دهند ، بلکه بندگان هستند از هر نظر شایسته که راه و رسم عبودیت را خوب می دانند و به آن افتخار می کنند ، خدا نیز آنها را به خاطر اخلاقشان در عبودیت گرامی داشته و مواهب خویش را به آنها افزایش داده است .

3_ آنها آن قدر مؤدب و تسلیم و سر بر فرمان خدا هستند که «هرگز در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند» .

4_ و از نظر عمل نیز آنها تنها فرمان او را اجرا می کنند پس به احاطه علمی پروردگار نسبت به آنها اشاره کرده می فرماید : خداوند هم اعمال امروز و آینده آنها را می داند و هم اعمال گذشته را ، هم از دنیای آنها آگاه است و هم از آخرتشان ، هم از قبل

وجودشان و هم بعد از وجودشان . مسلما فرشتگان از این موضوع آگاهند که خدا يك چنین احاطه علمی به آنها دارد و همین عرفان (1) سبب می شود که آنها نه سخنی قبل از او بگویند و نه از فرمانش سرپیچی کنند و به این ترتیب این جمله می تواند در حکم تعلیل (2) برای آیه سابق باشد .

5_ بدون شك آنها که بندگان گرامی و شایسته خدا هستند برای نیازمندان شفاعت می کنند ولی باید توجه داشت «هرگز برای کسی شفاعت نمی کنند مگر اینکه بدانند خدا از او خشنود است» .

مسلما خشنودی خداوند و اجازه شفاعت دادن او بی دلیل نمی تواند باشد حتما به خاطر ایمان راستین و یا اعمالی است که پیوند انسان را با خدا محفوظ می دارد . به تعبیر دیگر انسان ممکن است آلوده گناه شود ، ولی اگر رابطه خویش را با پروردگار و اولیای الهی به کلی قطع نکند ، امید شفاعت درباره او هست ، اما اگر پیوندش را از نظر خط فکری و عقیدتی به کلی برید و یا از نظر علمی آن قدر آلوده بود ، که لیاقت شفاعت را از دست داد . در این موقع ، هیچ پیامبر مرسل (3) یا فرشته مقرّبی شفاعت او نخواهد کرد .

ص: 25

1- شناخت عمیق.

2- علت آوردن.

3- فرستاده شده.

ضمناً این جمله پاسخی است به آنان که می گفتند ، ما فرشتگان را عبادت می کنیم تا در پیشگاه خدا برای ما شفاعت کنند ، قرآن می گوید :
 آنها از پیش خود هیچ کاری نمی توانند بکنند و هر می خواهید باید مستقیماً از خدا بخواهید ، حتی اجازه شفاعت شفیعیان

6 - به خاطر همین معرفت و آگاهی است که « آنها تنها از او می ترسند » و تنها ترس او را به دل راه می دهند ، آنها از این می ترسند که گناهی انجام داده باشند بلکه از کوتاهی در عبارت یا ترك اولی بیمناکند .

جالب اینکه « خَشْيَتٌ » از نظر ریشه لغت به معنی هر گونه ترس نیست بلکه هر گونه ترسی است که توأم با تعظیم و احترام و « مُشْفِقٌ » از ماده « اَشْفَقَ » به معنی توجهی است که آمیخته با ترس باشد بنابراین ترس از خداوند ، همچون ترس انسان از يك حادثه وحشتناك نیست و همچون اشفاق همچون بیم انسان از يك موجود خطرناك نمی باشد بلکه ترس آنها آمیزه ای است از احترام ، عنایت ، توجه ، معرفت ، احساس ، مسؤلیت ، روشن است که فرشتگان با این صفات بر جسته و ممتاز و مقام عبودیت خالص هرگز دعوی خدایی نمی کنند .

ص: 26

بالحای فرشتگان

« الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » (1) ستایش مخصوص خداوندی است که آفریننده آسمان ها و زمین است ، خداوندی که فرشتگان را رسولانی قرار داد که صاحب بالهای دوگانه ، سه گانه چهار گانه اند ، او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید ، او بر هر چیزی قادر است .

الْحَمْدُ لِلَّهِ : ستایش برای خداست

فَاطِرٍ : آفریننده ، شکافنده

السَّمَوَاتِ : آسمان ها

الْأَرْضِ : زمین

جَاعِلٍ : قرار دهنده

الْمَلَائِكَةُ : جمع (مَلَكٌ : فرشته) ، فرشتگان

رُسُلًا : جمع (رَسُولٌ) به معنی فرستادگان

أَجْنِحَةٍ : بالها

مَثْنَى : دو دو

ثُلَاثٌ : سه سه

رُبَاعٌ : چهار چهار

يَزِيدُ : از (زيد) به معنی می افزاید .

ص: 27

خَلْقٍ: آفرینش .

ما يَشَاءُ: هر چه بخواهد .

قَدِيرٌ: توانا و اسماء حسنی است . از آنجا که تدبیر این عالم از سوی پروردگار به عهده فرشتگان گذارده شده بلا فاصله از آفرینش و قدرت های عظیمی که پروردگار در اختیارشان گذارده سخن می گوید: «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا»

منظور از بال های فرشتگان آن هم بال های دوگانه ، سه گانه ، چهارگانه ، در اینجا قدرت جولان و توانایی بر اجرای ماموریت محوله است زیرا بعضی از آن ها نسبت به بعضی برتر و دارای توانایی بیشتراند و لذا برای آن ها سلسله مراتب در بال ها قایل شده که بعضی دارای چهار بال (مثنی : دو دو) و بعضی دارای شش بال (ثُلَاثٌ : سه سه) و بعضی دارای هشت بال (رُبَاعٌ : چهار چهار) هستند در بعضی از روایات آمده است « جبرئیل ششصد بال دارد و هنگامی که با این حالت پیامبر اسلام را ملاقات کرد مابین زمین و آسمان را پر کرده بود »⁽¹⁾ با این که « خداوند فرشته ای دارد که ما بین نرمی گوش او تا چشمش به اندازه پانصد سال راه به وسیله پرنده ای

ص: 28

است « (1). اصولاً می‌دانیم بال تنها برای حرکت در جو زمین به کار می‌رود چرا که در اطراف کره زمین را هوای فشرده گرفته و پرنده‌گان به وسیله بالشان روی امواج هوا قرار می‌گیرند و می‌توانند بالا و پایین بروند ولی از محیط جو زمین که خارج شویم در آنجا که هوا نیست بال کوچکترین تاثیری برای حرکت ندارد و از این نظر، درست مانند سایر اعضاء می‌باشد.

بال و فرشتگان وسیله فعالیت و حرکت و قدرت است که قراین فوق برای این هدف به قدر کافی گویا است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که: « الْمَلَائِكَةُ لَا يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْرَبُونَ وَلَا يَنْكِحُونَ وَإِنَّمَا يَعِشُونَ بِنَسِيمِ الْعَرْشِ » (فرشتگان نه غذا می‌خورند و نه آب می‌نوشند و نه ازدواج می‌کنند آن‌ها تنها با نسیم عرش (بال‌ها) زنده‌اند).

آیا رسالت فرشتگان تکوینی است یا تشریحی؟

رسالت فرشتگان که در آیه بالا آمده است چه چیز است؟ آیا رسالت تشریحی است؟ یعنی همان پیام آوردن از سوی خدا برای انبیاء یا رسالت تکوینی است؟ یعنی به عهده گرفتن ماموریت‌های مختلف در جهان آفرینش. و یا در هر دو جهت است؟ با توجه به

ص: 29

اینکه در قسمت اول آیه سخن از آفرینش آسمان ها و زمین بود و در جمله مورد بحث سخن از بال های متعدد فرشتگان است که نشانه های قدرت آن ها است و نیز با توجه به اینکه رسالت را برای همه فرشتگان قائل شده چنین به نظر می رسد که رسالت در اینجا معنی وسیع و گسترده دارد که هم رسالت تشریحی را شامل می شود و هم رسالت تکوینی را . اطلاق رسالت بر « رسالت تشریحی » و آوردن پیام وحی به انبیاء در قرآن فراوان است ولی اطلاق آن بر « رسالت تکوینی » نیز کم نیست در آیه (21 / یونس) می خوانیم : « إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ » : « رسولان ما (فرشتگان ما) مکرهای شما را می نویسند » .

کارگزاران خلقت و انواع آن ها

ملائکه موجودات پاک و فرمان براند که خداوند در امور عالم به آن ها ماموریتهایی محول فرموده که انجام می دهند ولی جنّ و شیاطین در عرض انسان ها و در امور عالم هیچ کاره اند . با این حساب می توان فرشتگان را با توجه به ماموریتهایشان به انواع مختلف تقسیم کرد :

1 - فرشتگان محافظ انسان

2 - فرشتگان ثبت اعمال

3 - فرشتگان حامل عرش

ص: 30

4- فرشتگان عذاب

5- فرشتگان حامل وحی

6- فرشتگانی که حساب و کتاب عمر آدمیان را دارند .

7- فرشتگانی که مامور تدبیر جهان از سوی خدا هستند .

8- فرشتگانی که آماده انجام ماموریتند .

9- فرشتگانی که دائم در سجده اند .

10- فرشتگانی که تسبیح برای خدا و استغفار برای اهل زمین می کنند .

11- فرشتگانی که شفاعت می کنند .

راجع به فرشتگان مطالب دیگری است از قبیل فرشتگانی که به اهل ایمان یاری می رسانند ، فرشتگانی که به اهل بهشت سلام می کنند .

« وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْهِمْ » ، فرشتگانی که به یاری رسول خدا در جنگ بدر آمدند و غیره .

فرشتگان محافظ انسان

« وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفْرِتُونَ » (1) « او تسلط کامل بر بندگان خود دارد و مراقبانی بر شما می فرستد تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد فرستادگان ما جان او را می گیرند و آن ها در نگهداری

ص: 31

حساب اعمال ، کوتاهی نمی کنند .».

القَاهِرُ : توانا و مسلط

حَفَظَةً : حافظ و مراقب

عِبَادٌ : بنده خدا

يُرْسِلُ : از ماده (رُئِل) به معنی می فرستد

المَوْتُ : مرگ

تَوَفَّتْ : اخذ و گرفتن بطور تمام و کامل

يُقَرِّطُونَ : کوتاهی می کنند

لا يُقَرِّطُونَ : کوتاهی نمی کنند و تقصیری ندارند .

در این آیه خداوند برای توضیح بیشتر روی احاطه علمی خداوند نسبت به اعمال بندگان و نگهداری دقیق حساب آنها برای روز رستاخیز چنین می گوید : « او تسلط کامل بر بندگان خود دارد و هم او است که حافظان و مراقبانی بر شما می فرستد که حساب اعمالتان را دقیقاً نگهداری کنند» .

« قَاهِرِيَّتْ » به معنی غلبه و تسلط کامل بر چیزی است به طوری که هیچ گونه توانایی مقاومت در طرف مقابل نباشد و « حَفَظَةً » جمع « حافظ » و در اینجا به معنی « فرشتگانی است که مأمور نگهداری حساب اعمال انسان ها هستند .

سپس می فرماید : نگهداری این حساب توسط فرشتگان تا لحظه پایان زندگی و فرارسیدن مرگ ادامه دارد و در این هنگام فرستادگان ما که مأمور

قبض ارواحند روح او را می گیرند و در پایان اضافه می کند که این فرشتگان به هیچ وجه در انجام مأموریت خود کوتاهی و قصور ندارند ، این احتمال وجود دارد که این صفت مربوط به فرشتگان حافظان حساب اعمال انسان ها بوده باشد که آنها در حفظ و نگهداری حساب اعمال کمترین کوتاهی و تقریط(1) ندارند .

« لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ » (2).

«برای انسان مأمورانی است که پی در پی ، از پیش رو و از پشت سرش او را از حوادث (غیرحتمی) حفظ می کنند ، اما خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی کند هیچ چیز مانع آن نخواهد شد و جز خدا سرپرستی نخواهد داشت» .

مُعَقَّبَاتٌ : جمع مُعَقَّبٌ ، گروهی که پی در پی به دنبال کار می روند .

بَدَىٰ : دست

خَلْفٍ : پشت سر ، عقب

ص: 33

1- کوتاهی کردن.

2- سوره رعد ، آیه 11.

يَحْفَظُونَهُ : محافظت می کنند

لَا يُغَيِّرُ : تغییر نمی دهد

قَوْمٍ : ملت ، قوم

أَنْفُسٍ : از ماده (نَفْسُ)، ذات، شخص

أَرَادَ : خواست ، اراد کند

سُوءًا : بد ، زشت

مَرَدًا : عاری بودن و مستمر بودن

دُونِ : غیر ، حقیر

وَالٍ : قرب و سرپرست

در این آیه آمده که خدا حافظ و نگهبان بندگان خود نیز می باشد و برای انسان مأمورانی است که پی در پی از پیش رو و پشت سرش قرار می گیرند و او را از حوادث حفظ می کنند اما برای اینکه کسی اشتباه نکند که این حفظ و نگهبانی بی قید و شرط است و انسان می تواند خود را به پرتگاه بیفکند و دست به هر ندانم کاری بزند و یا مرتکب هرگونه گناهی که مستوجب مجازات و عذاب است بشود و باز انتظار داشته باشد که خدا و مأموران او حافظش می باشند اضافه می کند که خدا سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آن ها تغییراتی در خود ایجاد کنند و هرگاه خداوند به جمعیتی اراده بد کند هیچ راه دفاع و بازگشت ندارد و هیچ کس به غیر از خدا نمی تواند والی و یاور آن ها باشد به همین دلیل هنگامی که فرمان خدا به عذاب و مجازات یا

نابودی قومی صادر می شود حافظان و نگهبانان دور می شوند و انسان را تسلیم حوادث کنند . اینجا چند نکته وجود دارد :

« مُعَقَّبَاتُ » چنانکه طبرسی در مجمع البیان و بعضی دیگر از مفسران بزرگ گفته اند جمع «مُعَقَّبَة» است و آن هم به نوبه خود جمع «مُعَقَّب» می باشد و به معنی گروهی است که پی در پی و به طور متناوب به دنبال کاری می روند .

ظاهر این آیه آن است که خداوند به گروهی از فرشتگان ، مأموریت داده که در شب و روز به طور متناوب به سراغ انسان بروند و از پیش رو و پشت سر نگهبان و حافظ او باشند . بدون تردید انسان در زندگی خود در معرفی آفات و بلاهای زیادی است حوادثی از درون و برون ، انواع بیماری ها ، میکرب ها ، انواع حادثه ها و خطراتی که از آسمان و زمین می جوشد انسان را احاطه کرده اند ، مخصوصا به هنگام کودکی که آگاهی انسان از اوضاع اطراف خود بسیار ناچیز است و هیچ گونه تجربه ای ندارد . در هر گامی خطری در کمین او است و گاه انسان تعجب می کند که کودک چگونه از لابه لای این همه حوادث جان سالم به در می برد و بزرگ می شود . اگر به راستی در این مسائل بیاندیشیم احساس می کنیم که نیروی محافظی است که ما را در برابر حوادث حفظ می کند و همچون سپری محافظ و نگهدار ما است .

در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام می خوانیم که در تفسیر آیه فوق فرمود :

« يُحْفَظُ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَنْ يَقَعَ فِي رُكْنٍ أَوْ يَقَعَ عَلَيْهِ حَائِطٌ أَوْ يُصِيبَهُ شَيْءٌ حَتَّى إِذَا جَاءَ الْقَدَرُ خَلُّوا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ يَدْفَعُونَهُ إِلَى الْمَقَادِيرِ وَهُمْ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ بِاللَّيْلِ وَ مَلَكَانِ مِنْ نَهَارٍ يَتَعَابَانَهُ : به فرمان خدا انسان را حفظ می کند از این که در چاهی سقوط کند یا دیواری بر او بیفتد یا حادثه دیگری برای او پیش بیاید تا زمانی که مقدرات حتمی فرا رسد در این هنگام آن ها کنار روند و او را تسلیم حوادث می کنند. آنها دو فرشته اند که انسان را در شب حفظ می کنند و دو فرشته اند که در روز به طور متناوب به این وظیفه می پردازند. (1)

در نهج البلاغه نیز می خوانیم که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود :

« إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكَيْنِ يَحْفَظَانِهِ فَإِذَا جَاءَ الْقَدَرُ خَلَّيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ : با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ کنند اما هنگامی که مقدرات حتمی فرا می رسد او را رها می سازند» .

در تفسیرعیاشی ذیل همین آیه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود :

« مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مَلَكَانِ يَحْفَظَانِهِ فَإِذَا جَاءَ الْأَمْرُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَلَّيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَمْرِ اللَّهِ : برای هر بنده ای دو تا

ص: 36

ملکی است که او را حفظ می کنند چون کاری از جانب خدا آمد او را به امر خدا وامی گذارند» .

« إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ (1) : به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند، اعمال او را دریافت می دارند» .

« مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ : هیچ سخنی را انسان تلفظ نمی کند مگر اینکه نزد آن فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت است» . (2)

يَتَلَقَّى : دریافت و ضبط می کند

الْمُتَلَقِّيَانِ : دو فرشته ای که مأمور ثبت اعمال انسانند

الْيَمِينِ : راست

الشَّمَالِ : چپ

قَعِيدٌ : از ماده «فُعُود» به معنی نشسته

يَلْفِظُ : تلفظ می کند

قَوْلٍ : سخن ، حرف

رَقِيبٌ : مراقب

عَتِيدٌ : از ماده (عِتَاد) به معنی ذخیره کننده

در این آیه علاوه بر احاطه علمی خداوند به ظاهر و باطن انسان دو فرشته نیز مأمور حفظ و نگهداری حساب اعمال اویند که از طرف راست و چپ از او

ص: 37

1- آیه 17 / سوره ق.

2- آیه 18 / سوره ق.

مراقبت می کنند، پیوسته با او هستند و لحظه ای جدا نمی شوند تا از این طریق اتمام حجت بیشتری شود و تأکیدی باشد بر مسأله نگهداری حساب اعمال .»

«تَلَقَّى» به معنی دریافت و اخذ و ضبط است و «مُتَلَقِّانُ» دو فرشته ای هستند که مأمور ثبت اعمال انسان ها می باشند و «فَعِيدُ» از ماده «فَعُوذُ» به معنی نشسته و در این جا ملازم و مراقب است و به تعبیر دیگر مفهوم آیه این نیست که این دو فرشته در سمت راست و چپ انسان نشسته اند زیرا انسان گاه نشسته است و گاه در حال راه رفتن بلکه این تعبیر کنایه از آن است که این دو همواره با انسانند و مترصد اعمال او می باشند . این احتمال هم داده می شود که آن دو بر شانه راست و چپ انسان همیشه نشسته اند و اعمال او را ثبت می کنند . قابل توجه این که در روایات اسلامی آمده است که فرشته سمت راست نویسنده حسنات است و فرشته سمت چپ نویسنده سیئات است و فرشته اول فرمانده فرشته دوم است . هنگامی که انسان عمل نیکی انجام می دهد فرشته سمت راست ده برابر می نویسد و هنگامی که عمل بدی از او سرزند و فرشته سمت چپ بخواهد آن را بنویسد فرشته اول می گوید: عجله مکن ، لذا او هفت ساعت به تأخیر می اندازد اگر پشیمان شد و توبه کرد چیزی نمی نویسد و اگر توبه نکرد

تنها يك گناه برای او می نویسد. (1)

در روایت دیگری آمده است که پیامبر فرمود:

« مَنْ مَرِضَ أَوْ سَافَرَ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَا كَانَ »

به فرشتگان حافظ اعمال او می گوید ، مادام که او بیمار است اعمالی را که در حال صحت انجام می داده برای او بنویسد.

پس پیامبر افزود : « کسی که بیمار شود یا مسافرت کند خداوند همان اعمالی را که در حال صحت و در حضر انجام می داد برای او می نویسد » (2).

و همچنین این فرشتگان کمترین سخنان انسان ها را هم می نویسند و این ها همه اشاره پر معنایی به توسعه لطف خداوندی است .

فرشتگان ثبت اعمال

این فرشتگان علاوه بر حفاظت انسان مأمور نوشتن اعمال انسان ها هستند .

« وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ » (3) : « و بدون شك نگهبانانی بر شما گمارده شده است » .

« كِرَامًا كَاتِبِينَ » (4) : « والامقام و نویسندگان اعمال شما » .

ص: 39

1- مجمع البیان ، جلد 9 ، صفحه 144 .

2- روح المعانی ، جلد 26 ، صفحه 165 .

3- سوره انفطار ، آیه 10 .

« يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ » (1): « آن ها می دانند که شما چه می کنید » .

منظور از « حَافِظِينَ » در این آیه فرشتگانی هستند که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسان ها اعم از نیک و بد هستند که در آیه 18 سوره ق از آن ها تعبیر به « رقیب و عتید » شده است و در آیات دیگر قرآن نیز به وجود این فرشتگان مراقب اعمال اشاره شده است از جمله در سوره یونس ، آیه 21 آمده : « قُلْ اللَّهُ أَسْرِعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ » : « بگو: خداوند از شما سریع تر چاره جویی می کند و رسولان ما آن چه مکر می کنید و نقشه می کشید می نویسند » و همچنین در سوره زخرف ، آیه 80 آمده : « بَلَى وَرُسُلَنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ » : « آری ، رسولان (فرشتگان) ما نزد آن ها هستند و می نویسند » .

بدون شك خداوند قبل از هرکس شاهد و ناظر اعمال آدمی است ولی برای تأکید بیشتر و احساس مسئولیت فزون تر، مراقبان زیادی گمارده است که يك گروه از آن ها همین فرشتگانند .

در « احتجاج طبرسی » آمده است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: « علّت وجود فرشتگان مأمور ثبت اعمال نیک و بد انسان ها چیست، در حالی که می دانیم خداوند « عَالِمُ السِّرِّ وَ الْخَفِيِّ » است ، یعنی

ص: 40

هر چیزی را که از آن مخفی تر نیست می داند؟

امام در پاسخ فرمود: « خداوند این فرشتگان را به عبادت خود دعوت کرد و آن ها را شهود بر بندگانش قرارداد تا بندگان به خاطر مراقبت آنان بیشتر مراقب اعمال و مراقب اطاعت الهی باشند و از عصیان او بیشتر ناراحت شوند و چه بسیار بنده ای که تصمیم به گناه می گیرد سپس به یاد این فرشته می افتد و خودداری می کند ، می گوید: پروردگارم مرا می بیند و فرشتگان حافظ اعمال نیز گواهی می دهند ، علاوه بر این خداوند به رحمت و لطفش این ها را مأمور بر بندگانش کرده تا به فرمان خدا شیاطین سرکش را از آن ها دور کند و همچنین جانوران زمین و آفات بسیار را که آن ها نمی بینند تا آن زمان که فرمان خدا و مرگ آن ها فرامی رسد ». (1)

از این روایات به خوبی استفاده می شود که آن ها علاوه بر مأموریت ثبت اعمال مأمور حفظ انسان از حوادث ناگوار و وسوسه های شیاطین نیز هستند .

قابل توجه این که در آیات فوق در توصیف این فرشتگان می گوید : « آن ها بزرگوار و در نزد پروردگار والامقامند » تا انسان ها بیشتر مراقب اعمال خویش باشند، زیرا هر قدر ناظر بر اعمال انسان ها شخصیت والاتری داشته باشد، انسان

ص: 41

بیشتر از او ملاحظه می کند و از انجام گناه شرمنده تر می شود .

تعبیر به « کَاتِبِينَ » در حقیقت تأکیدی است بر این معنی که آن ها به حافظه قناعت نمی کنند بلکه دقیقاً می نویسند و ثبت می کنند و به این ترتیب هرگز چیزی از آن ها فوت نمی شود و صغیر(1) و کبیر را ثبت می کنند(2).

تعبیر به « يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ » باز تأکید مجددی است بر این حقیقت که آن ها از همه اعمال شما بدون استثناء آگاهند و نوشتن آن ها براساس همین آگاهی است .

ضمناً تمام این تعبیرات بیانگر اختیار و آزادی اراده انسان است، چراکه اگر آدمی اختیاری از خود نداشت ، گماردن این همه مأمورین ثبت و ضبط اعمال و این همه هشدار و اخطارها هدف و مفهوم صحیحی نخواهد داشت ، از سوی دیگر همه این ها بیانگر این واقعیت است که مسئله حساب و جزای الهی بسیار سخت جدی است ، چراکه خداوند اهمیت فوق العاده ای به آن داده است .

درباره روش کار و ویژگی های فرشتگان مأمور ثبت اعمال تعبیرات پر معنی وارد شده از جمله این که:

1_ کسی از امام موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد :

ص: 42

1- صغیر : کوچک .

2- کبیر : بزرگ .

« دو فرشته ای که مأمور ثبت اعمال انسان هستند آیا از اراده و تصمیم باطنی او به هنگام گناه یا کار نیک نیز باخبر می شوند؟ ».

امام در پاسخ فرمود: « آیا بوی بر چاه فاضلاب و عطر یکی است؟ »

راوی عرض کرد: « نه » .

امام علیه السلام فرمود: « هنگامی که انسان نیت کار خوبی کند ، نفسش خوشبو می شود . فرشته ای که در سمت راست و مأمور ثبت حسنات است به فرشته سمت چپ می گوید : برخیز ، که او اراده کار نیک کرده است و هنگامی که آن را انجام داد، زبان آن انسان قلم آن فرشته و آب دهانش مرگب او می شود و آن را ثبت می کند ، اما هنگامی که اراده گناهی می کند نفسش بدبو می شود . فرشته طرف چپ به فرشته طرف راست می گوید : برخیز که او اراده معصیت کرده و هنگامی که آن را انجام می دهد، زبانش قلم آن فرشته و آب دهانش مرگب اوست و آن را می نویسد » . (1)

این حدیث به خوبی نشان می دهد که نیت انسان در تمام وجود او اثر می گذارد و فرشتگان از اسرار درونش به وسیله آثار بیرون آگاه می شوند و مسلماً اگر آگاه نباشند نمی توانند اعمال انسان را به خوبی ثبت کنند چرا که چگونگی نیت در ارزش و خلوص و

ص: 43

1- اصول کافی ، جلد 2 ، حدیث 3 .

آلودگی عمل فوق العاده مؤثر است تا آن جا که پیغمبر اکرم در حدیثی فرمود: « اعمال به نیت ها بستگی دارد » و دیگر این که معلوم می شود از خود انسان می گیرند و برای او خرج می کنند و زبان ما قلم آن هاست و آب دهان ما مرکب آن ها .

2_ آن ها مأمورند به هنگامی که انسان کار نیک می کند آن را به عنوان « حسنه » بنویسند اما هنگامی که تصمیم بر گناه می گیرد، تا عمل نکرده چیزی بر او نمی نویسند و بعد از عمل تنها يك گناه ثبت می کنند. (1)

این تعبیر بیانگر نهایت لطف و فضل الهی بر انسان است که نیت گناه را بر او می بخشد و فعل گناه را بر طبق موازین عدالت جزا می دهد ، ولی در مسیر اطاعت هر نیتی حسنه ای است و هر کار نیکی را بر اساس تفصّل پاداش می دهد، نه بر میزان عدل و این تشویقی است برای انجام اعمال نیک .

3_ در روایت دیگر آمده است که رسول خدا بعد از اشاره به وجود این دو فرشته و نوشته نوشته حسنات با پاداش ده برابر فرمود: « هنگامی که انسان کار بدی انجام می دهد فرشته راست به فرشته چپ می گوید : در نوشتن این گناه عجله مکن شاید کار نیکی بعد از آن انجام دهد که گناه او را بیشتر بپوشاند . همان گونه که خداوند بزرگ می فرماید : « إِنَّ الْحَسَنَاتِ

ص: 44

يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» یا این که توبه و استغفار کند و اثر گناه از بین برود و او هفت ساعت از نوشتن کار بد خودداری می کند و اگر کار نیک یا استغفاری به دنبال آن نیاید، فرشته حسنات به فرشته سیئات می گوید: بنویس بر این بدبخت محروم. (1)

4_ امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری فرموده: «هنگامی که مؤمنان در يك مجلس با هم سخن می گویند حافظان اعمال به یکدیگر می گویند ما از آن ها دور شویم شاید سَرّی دارند که خدا آن را مستور داشته است». (2)

5_ حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه هاش که مردم را در آن به تقوا دعوت کرده می فرماید: «بدانید ای بندگان خدا که مراقبانی از خودتان بر شما گماشته شده و دیدبان هایی از اعضای پیکرتان و نیز بدانید حسابگران راستگو اعمال شما را ثبت می کنند و حتی شماره نفسهایتان را نگه می دارند، نه ظلمت شب تاریک شما را از آن ها پنهان می دارد و نه درهای محکم و فرو بسته و چه فردا به امروز نزدیک است».

ص: 45

1- اصول کافی، جلد 2، حدیث 4.

2- نور الثقلین، جلد 5، صفحه 110.

فرشتگانی که حساب و کتاب عمر آدمیان را دارند

« قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَمَّ لِلْعَادِيْنَ (1): در پاسخ می گویند : تنها به اندازه يك روز یا قسمتی از يك روز، از آنها که می توانند شمارش کنند سؤال فرما» .

قَالُوا : می گویند

لَبِثَ : توقّف ، اقامت

يَوْمًا : يك روز

فَسَمَّ : پس سؤال کن

الْعَادِيْنَ : شمردگان

در حقیقت عمرهای طولانی در دنیا گویی لحظه هایی زودگذر هستند در برابر زندگی آخرت که هم نعمت هایش جاویدان است و هم مجازاتش نامحدود و منظور از «عادین» همان فرشتگانی می باشد که حساب و کتاب عمر آدمیان و اعمال آنها را دقیقاً نگه داشته اند زیرا آن ها بهتر و دقیق تر از هرکس این حساب را می دانند .

ص: 46

فرشتگانی که آماده انجام مأموریتند

« وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا (1): سوگند به آن ها که صف کشیده اند» .

« فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (2): همان ها که قویا نهی می کنند و باز می دارند» .

« فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (3): و آنها که پی در پی ذکر الهی را تلاوت می کنند» .

صافّات: جمع (صافّة)، صفوف متعدد

صفا: صف

زاجرات: از ماده (زَجْر)، راندن چیزی با فریاد

زَجْرًا: راندن، طرد، منع

تالیات: از ماده (تلاوت) جمع «تالی» تلاوت کنندگان

ذِكْرًا: نام

در آغاز این سوره (صافّات) به نام سه گروه برمی خوریم که به آن ها سوگند یاد شده این گروه سه گانه کیانند؟

و این توصیفات درباره چه کسانی است؟

ص: 47

1- آیه 1 / سوره صافات .

2- آیه 2 / سوره صافات.

3- آیه 3 / سوره صافات.

مفسران در اینجا سخن بسیار گفته اند اما معروف و مشهور این است که این ها اوصافی است برای گروه هایی از فرشتگان :

1_ گروه هایی که برای انجام فرمان الهی در عالم هستی به صف ایستاده و آماده فرمانند .

2_ گروه هایی از فرشتگان که انسان ها را از معاصی و گناه باز می دارند و وسوسه های شیاطین را در قلوب آنها خنثی می کنند و یا مأمور ابرهای آسمانند و آنها را به هر سو می رانند و آماده آبیاری سرزمین های خشك می کنند .

3_ گروه هایی از فرشتگان که آیات کتب آسمانی را به هنگام نزول وحی بر پیامبران می خوانند .

قابل توجه اینکه «صاقت» اشاره به گروهی است که صف کشیده اند و «زاجرات» اشاره به گروه هایی که به منع و طرد و زجر دیگران می پردازند و «تالیات» به معنی گروه هایی است که اقدام به تلاوت چیزی می کند و همچنین «زاجرات» ، هم شامل فرشتگانی می شود که وسوسه های شیاطین را از قلوب انسان ها دور می کنند و هم انسان هایی که به فریضه نهی از منکر می پردازند و «تالیات» اشاره به تمام فرشتگان می باشد که آیات الهی و ذکر خدا را پی در پی تلاوت می کنند .

در اینجا نکته ای وجود دارد که و آن اینکه پیدا

ص: 48

است صف کشیدن و آماده شدن در مرحله نخست قرار دارد و سپس طرد کردن موانع از سر راه و بعد از آن بیان دستورات و اجرای آنها از سوی دیگر آنها که آماده اجرای فرمان می شوند مقامی دارند و آنها که موانع را طرد می کنند مقامی برتر و آنها که فرمان ها را می خوانند و به اجرا در می آورند از همه بلند مقام ترند .

به هر حال سوگند پروردگار به همه این گروه ها حاکی از عظمت مقام آنها در پیشگاه او است و ضمناً الهام کننده این حقیقت است که رهروان راه حق نیز برای رسیدن به مقصود باید از این سه مرحله بگذرند.

فرشتگانی که دائم در سجده اند

درباره سجود فرشتگان در سوره نحل آیه 49 آمده است :

« وَ لِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ : تمام آنچه در آسمان ها و در زمین از جنبندگان وجود دارد و همچنین فرشتگان برای خدا سجده می کنند و هیچ گونه تکبری ندارند» .

يَسْجُدُ : اظهار فروتنی و سجده می کنند

السَّمٰوٰتِ : آسمان ها

الْاَرْضِ : زمین

دَابَّةٍ : موجودات جنبنده

ص: 49

يَسْتَكْبِرُونَ: از ماده (كَبُرَ) تكبر و خود بزرگ بینی دارند

لا يَسْتَكْبِرُونَ: تكبری ندارند

در آیه فوق ملائکه به طور جداگانه ذکر شده و به خاطر آن است که «دَابَّة» تنها به جنیندگانی گفته می شود که جسمانی هستند و اگر فرشتگان رفت و آمدی دارند و حضور و غیابی، نه به معنی جسمانی و مادی است تا در مفهوم «دَابَّة» داخل گردند.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم:

«خداوند فرشتگانی دارد که از آغاز آفرینش آنها تا روز رستاخیز برای خدا سجده می کنند و در آن روز سر از سجده برمی دارند و می گویند: « مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ : ما حق عبادت تو را انجام ندادیم» .

همچنین جمله « وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ » اشاره به وضع و حال فرشتگان است که آنها در خضوع و سجده در پیشگاه حق کمترین استکبار به خود راه نمی دهند .

فرشتگان حامل عرش و تعداد آنها

عده ای از ملائکه حاملان عرش خداوند چنان که در قرآن آمده: « وَ الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (1) : فرشتگان در جوانب و کناره های آسمان قرار می گیرند (و برای انجام مأموریت ها

ص: 50

آماده می شوند) و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می کنند .

الْمَلَكُ : فرشته

أَرْجَاءُ : جمع رجا به معنی اطراف و جوانب چیزی

يَحْمِلُ : حمل می کنند

عَرْشُ : تخت و در اینجا معانی مختلف دارد که به صفات خدا مربوط می شود

فَوْقَ : بالا

يَوْمَئِذٍ : آن روز

ثَمَانِيَةً : هشت

در آیه مورد بحث که سخن از حاملان عرش الهی می گوید ، ممکن است منظور از عرش همان حکومت خداوند و تدبیرش در عالم هستی باشد و حاملان عرش اجراکنندگان حاکمیت و تدبیر او هستند .

و نیز ممکن است به معنی مجموعه عالم هستی و یا عالم ماوراء طبیعت باشد و حاملان آن فرشتگانی هستند که پایه های تدبیر این جهان به فرمان خدا بر دوش آنها است .

گویی در روز قیامت فرشتگان همانند مأمورانی که اطراف میدانی ایستاده و منتظر فرمان برای انجام کارند . در گرداگرد آسمان ها صف می کشند و در انتظار فرمان حَقَّند ، این حاملان عرش که همان فرشتگانند مشخص نیست که آیا هشت فرشته اند یا

هشت گروه كوچك يا بزرگ .

البته در روايات اسلامي آمده كه حاملان عرش هم اکنون چهار نفر (چهارگروه) هستند اما در قيامت دو برابر مي شوند .

چنانكه در حديثي از پيغمبر اكرم صلي الله عليه و آله مي خوانيم : «آنها امروز چهار نفرند و روز قيامت آنها را با چهار نفر ديگر تقويت مي كند و هشت نفر مي شوند» . (1)

منظور از عرش به معني «مجموعه جهان هستي» است كه «عرش» حكومت خدا است و به وسيله فرشتگان كه مجري فرمان خدا هستند تدبير مي شوند.

از احاديث به خوبي استفاده مي شود كه منظور از عرش «صفات خدا» همچون «علم بي پايان پروردگار» و «مالكيت و حاكميت خدا و قدرت او» و «صفات كماليه و جلاليه او يعني رحمتيت و رحيميت» است . و بنا بر اين حاملان عرش الهي حاملان علم اويند و هر قدر انسان يا فرشتگان علم بيشترى داشته باشند ، سهم بيشترى در حمل اين عرش عظيم دارند .

و مراد از حمل عرش ظاهرا تدبير امور عالم به دستور خدا است . همچنين در سوره غافر درباره دعاهاي فرشتگان حامل عرش آمده :

ص: 52

« الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ » .

«فرشتگانی که حامل عرشند و آنها گرداگرد آن تسبیح و حمد خدا می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می نمایند و می گویند : پروردگارا رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است ، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرزد و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار .

« رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ » (1)

«عرضه می دارند پروردگارا آن ها را در باغ های جاویدان بهشت که به آنها وعده فرموده ای وارد کن ، همچنین صالحان از پدران و همسران و فرزندان آنها را که تو توانا و حکیمی» .

« وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (2)

«و آنها را از بدی ها نگاه دار و هر کس را در آن روز از بدی ها نگاه داری مشمول رحمت ساخته ای و

ص: 53

1- آیه 8 / سوره غافر.

2- آیه 9 / سوره غافر.

این است رستگاری بزرگ» .

در این آیات دعاهای چهارگانه حاملان عرش بیان شده نخست آنها تقاضای غفران و شستشوی مؤمنان را از آثار گناه می کنند . در مرحله دوم ، تقاضای دورداشتن آن ها از عذاب جهنم می کنند که این خود مهم ترین وسیله آرامش روان آن ها است . در مرحله سوم ، تقاضای بهشت می کنند ، نه تنها برای خودشان بلکه برای بستگانشان که وجود آن ها در کنارشان مایه آرامش روح و نشاط قلب آنها است . و از آنجا که غیر از دوزخ در صحنه قیامت ناراحتی دیگری وجود دارد مانند هول محشر ، رسوایی در برابر خلاق ، طول حساب را و امثال آن ، در دعای دیگرشان از خدا می خواهند که مؤمنان را از هرگونه بدی و مکروه در آن روز دور دارد تا با فراغت خاطر و احترام و تکریم وارد بهشت جاویدان شود .

همچنین در این آیات حاملان عرش الهی راه و رسم دعا را به مؤمنان می آموزند .

نخست تمسک به ذیل نام پروردگار (ربنا) ، سپس او را به صفات جمال و جلالش ستودن و از مقام رحمت و علم بی پایانش مدد خواستن (وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا) . سرانجام وارد در دعا شدن و مسائل را به ترتیب اهمیت خواستن و با شرایطی که زمینه اجابت را فراهم می سازد ، مقرون ساختن

ص: 54

(فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ) . سپس دعا را باز کرد اوصاف جمال و جلال او و توسل مجدد به ذیل رحمتش پایان دادن .

جالب توجه اینکه حاملان عرش در این دعا روی پنج وصف از مهم ترین اوصاف الهی تکیه می کنند: ربوبیت، رحمت، قدرت، علم، حکمت خدا .

فرشتگان عذاب و تعداد آنها

«عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» (1)

«نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده»

تِسْعَةَ عَشَرَ : نوزده

خداوند در این آیه می فرماید: نوزده نفر از فرشتگان عذاب بر دوزخ گمارده شده اند. فرشتگانی که قطعاً مأمور به ترحم، شفقت، مهربانی نیستند بلکه مأمور به کیفر و عذاب و خشونتند.

بعضی از مفسرین گفته اند: که اشاره به نوزده گروه از فرشتگان است، نه نوزده نفر. اما چرا از میان اعداد تنها عدد 19 برای مأموران عذاب الهی انتخاب شده؟

جمعی از مفسرین احتمال داده اند این به خاطر آن است که در عدد نوزده بزرگ ترین عدد آحاد (عدد نه) و کوچکترین عدد عشرات (عدد ده) جمع است.

ص: 55

بعضی نیز گفته اند به خاطر آن است که ریشه های اخلاقِ رذیله به نوزده خُلُقِ ظاهر و باطن بازمی گردد و از آنجا که اخلاق رذیله هرکدام یکی از عوامل عذاب الهی است طبقات دوزخ نوزده طبقه به تعداد آنها و در هر طبقه فرشته یا گروهی از فرشتگان مأمور عذاب هستند .

در روایات آمده که هر يك از این نوزده فرشته قدرت عظیمی دارند که می توانند قبیله بزرگی را به آسانی در دوزخ بیفکنند .

در روایتی آمده است که گروهی از یهود از بعضی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از عدد خازنان جهنم سؤال کردند ، آن ها گفتند : خدا و رسولش آگاه ترند ، جبرئیل در همان ساعت نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد : « عَلَيْنَا سَعَةٌ عَشْرٌ : نوزده نفر بر آن گمارده شده اند » (1).

فرشتگان مرگ و فرشتگان مأمور تدبیر جهان

میراندن مردمان هم به فرشتگان واگذار شده است « قُلْ بِيَوْمِكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (2) » بگو فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می گیرد سپس به سوی پروردگارتان بازمی گردید .

ص: 56

1- تفسیر مراغی ، جلد 29 ، صفحه 314.

2- آیه 11 / سوره سجده.

با توجه به مفهوم «يَتَوَفِّيكُمْ» که از ماده «تَوَفَّى» به معنی بازستاندن است مرگ به معنی فنا و نابودی نخواهد بود ، بلکه يك نوع قبض و دریافت فرشتگان نسبت به روح آدمی است که اساسی ترین بخش وجود انسان را تشکیل می دهد .

در آیه مورد بحث ، فرشته مرگ عهده دار میراندن و اخذ مردم از این زندگی است و قبض ارواح به «ملك الموت» نسبت داده شده و در روایات اسم او را عزرائیل گفته اند .

و در آیات دیگر نسبت آن را به جمع داده مثل «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (1)» .

آنها که فرشتگان قبض روحشان می کنند در حالی که ستم پیشه اند ، در این هنگام آنها تسلیم می شوند و می گویند ما کار بدی انجام نمی دادیم ، آری خداوند به آنچه انجام می دادید عالم است .

« الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (2) » .

آنها که فرشتگان (قبض ارواح) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند به آنها می گویند سلام بر شما باد ، وارد بهشت شوید به

ص: 57

1- آیه 28 / سوره نحل .

2- آیه 32 / سوره نحل .

خاطر اعمالی که انجام می دادید .

در آیه قبل خواندیم که فرشتگان مرگ ستمگران را قبض روح می کنند در حالی که به خود ظلم کرده اند و مرگ آنها آغاز دوران جدیدی از بدبختی آنها است و سپس به آنها فرمان داده می شود که به درهای جهنم ورود کنید .

و در آیه بعد می خوانیم که فرشتگان مرگ پرهیزکاران را قبض روح می کنند و روح آنان را می گیرند درحالی که پاکیزه از آلودگی شرك و پاکیزه از ظلم و استکبار و هر گونه گناه و فرشتگانم به آنها فرمان می دهند که وارد شوید به بهشت به خاطر اعمالی که انجام می دادید و به آنها سلام می دهند .

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام می خوانیم که فرمود : «بیماری ها و دردها همگی قاصدان مرگ و فرستادگان او هستند ، هنگامی که عمر انسان به سر می رسد فرشته مرگ می آید (او از دیدن فرشته مرگ وحشت می کند) او می گوید : ای بنده خدا چه اندازه خبر بعد از خبر و رسول بعد از رسول و پیک بعد از پیک برای تو فرستادم اما من آخرین خبرم و بعد از من خبری نیست» و سپس می گوید : دعوت پروردگارت را اجابت کن خواه از روی میل و خواه از روی اکراه» . و هنگامی فرشته مرگ قبض روح او کند فریاد بستگان بلند می شود . او صدا می زند» بر چه کسی فریاد می کشید ؟ و برای چه کسی اشک

ص: 58

می ریزید؟ به خدا سوگند وقت او به پایان رسیده بود؟ و تمام روزی خود را دریافت داشته بود. پروردگارش از او دعوت کرد و او دعوت حق را اجابت نمود». اگر می خواهید گریه کنید بر خویشتن بگریید. من باز هم به میان شما می آیم. تا یک نفر از شما را باقی نگذاریم.

در حدیث دیگری از امام محمدباقر علیه السلام می خوانیم که پیامبر اسلام برای عیادت مردمی از انصار به خانه او آمد فرشته مرگ را بالای سر او دید پیامبر علیه السلام فرمود: با این دوست من با مدارا و لطف رفتار کن چراکه او مردمی باایمان است. عرض کرد: ای محمد، بشارت بر تو باد که من نسبت به همه مؤمنان با محبتم و بدان ای محمد، به هنگامی که قبض روح بعضی از فرزندان آدم را می کنم خانواده او فریاد می کشند. من در کنار خانه می ایستم، می گویم: من گناهی ندارم. عمر او به پایان رسیده بود. من باز کرارا به میان شما برمی گردم به هوش باشید به هوش! (1)

سپس می افزاید: «خدا هیچ انسانی را از ساکنان شهر و بیابان، خانه، خیمه، خشکی، دریا نیافریده مگر اینکه من در هر شبانه روز پنج بار دقیقاً به آن ها نگاه می کنم تا آنجا که من صغیر و کبیر آنها را بهتر از خودشان می شناسم» (2).

ص: 59

1- تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه موردبحث.

2- تفسیر دُرِّ الْمُنْتَوِر، طبق نقل المیزان، جلد 16، صفحه 268.

فرشتگانی که شفاعت می کنند (شفاعت ملائکه)

شفاعت يك مکتب انسان ساز و وسیله ای برای بازگرداندن آلودگان از نیمه راه و جلوگیری از یأس و نومیدی که خود عاملی است برای غرق شدن در انحراف و گناه . ایمان به این گونه شفاعت ، سبب می شود که افراد گناهکار رابطه خویش را با خدا و پیامبران و امامان قطع نکنند ، همه پل ها را پشت سر خود ویران نکنند و خط بازگشت را حفظ کنند ، فرشتگان هم از جمله شفاعت کنندگان و شفیعان روز محشرند .

« فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ » (1).

«لذا شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد» .

تَنْفَعُ : فایده و بهره می دهد

شَفَاعَةٌ : از ماده (شَفَع) به معنی ضمیمه کردن چیزی

الشَّافِعِينَ : شفاعت کنندگان

در این آیه به عاقبت شوم مجرمان اشاره شده که خداوند می فرماید : شفاعت هیچ يك از شفاعت کنندگان (شفاعت پیامبر ، شفاعت تمامی انبیاء و پیامبران ، شفاعت امامان ، فرشتگان ،

ص: 60

صدیقین، شهداء، صالحان، قرآن، اعضاء و جوارح بدن، خدا) به حال آنها سودی نمی بخشد و باید در عذاب الهی بمانند بنابراین از این آیه هم استفاده می شود که فرشتگان هم از شفیعان روز محشرند همان گونه که از رسول خدا نقل شده «در آن روز به فرشتگان و انبیاء و شهداء اجازه شفاعت داده می شود که شفاعت کنند» (1).

همچنین در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «يَسْتَفَعُ النَّبِيُّونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْمُؤْمِنُونَ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ بَقِيَّتْ شَفَاعَتِي: در قیامت پیامبران و فرشتگان و مؤمنان شفاعت می کنند و خداوند می گوید: شفاعت من باقی مانده است» (2).

« وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى » (3) چه بسیار فرشتگانی که در آسمان ها هستند و شفاعت آنها سودی نمی بخشد مگر بعد از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه شفاعت دهد.

آیه اخیر از آیاتی است که به روشنی از امکان شفاعت به اذن و رضای خدا داشته باشند، انبیاء و اولیای معصوم به طریق اولی چنین حقی را دارند.

ص: 61

1- صحیح البخاری، جلد 9، صفحه 149.

2- صحیح البخاری، جلد 9، صفحه 149.

3- آیه 26 / سوره نجم.

ولی نباید فراموش کرد که این شفاعت بی قید و شرط نیست، بلکه مشروط به اذن و رضای خدا است و از آن جا که اذن و رضای او بی حساب نیست باید رابطه ای میان انسان و او باشد تا اجازه شفاعت او را به مقربان درگاهش که فرشتگان می باشند بدهد.

در روایات هست که مراد از رضایت خدا، رضایت از عقیده و طریقه است نه اعمال.

مسلمانا خشنودی خداوند و اجازه شفاعت دادن او، بی دلیل نمی تواند باشد، حتما به خاطر ایمان راستین و یا اعمالی است که پیوند انسان را با خدا محفوظ می دارد.

فرشتگان حامل وحی

« نَزَّلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ (1) : روح الامین آن را نازل کرده است بر قلب تو .

آیات قرآن نشان می دهد که پیام آور حق فقط يك ملك نیست مثل :

« اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ » (2).

« خداوند از فرشتگانی رسولانی برمی گزیند

ص: 62

1- آیه 194 / سوره شعراء.

2- آیه 75 / سوره حج.

و همچنین از انسان ها ، خداوند شنوا و بینا است» .

از فرشتگان رسولانی چون جبرئیل و از انسان ها فرستادگانی چون پیامبران بزرگ الهی و این نشان می دهد که همه فرشتگان الهی ، رسولان او به سوی بشر نبودند بلکه گروهی از آن ها این سمت را داشته اند .

« فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَبِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ » (1)

پس در حالی که وی ایستاده در محراب دعا می کرد ، فرشتگان ، او را ندا در دادند که : خداوند تو را به ولادت یحیی که تصدیق کننده کلمه الله (عیسی) است و بزرگوار و خویشستندار و پیامبری از شایستگان است ، مژده می دهد ، که در این آیه فرشتگان مژده ولادت یحیی را به زکریا دادند .

« إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ » (2).

هنگامی که فرشتگان گفتند : ای مریم ، خداوند ترا

ص: 63

1- آیه 39 / سوره آل عمران.

2- آیه 45 / سوره آل عمران.

به کلمه ای از جانب خود که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می دهد، درحالی که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خدا است.

در این آیه فرشتگان مژده ولادت حضرت عیسی را به مریم دادند.

بنابراین می توان گفت: که وحی آور فقط جبرئیل و او یک نفر بیش نیست و دیگر فرشتگان مژده آوراند و نظیر آن، نه آورنده احکام و دین.

فرشتگانی که تسبیح برای خدا و استغفار برای اهل زمین دارند

« يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ » (1).

فرشتگان شب و روز تسبیح می گویند و ضعف و سستی به خود راه نمی دهند.

در این آیه آمده که فرشتگان همیشه و دائما و شب و روز تسبیح می کنند و آرام نمی شوند.

در نظام بندگان و موالی ظاهری هر قدر بنده ای به مولا نزدیک تر است خضوعش در برابر او کمتر است چراکه خصوصیت بیشتری دارد و اما در نظام عبودیت خلق و خالق قضیه برعکس است هر قدر

ص: 64

فرشتگان و اولیای خدا به او نزدیک تر می شود مقام عبودیتشان بیشتر می گردد . همچنین ملائکه علاوه بر اینکه خدا را تسبیح و حمد می کنند برای بندگان خدا هم طلب آمرزش و استغفار می کنند . « تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطِرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ اللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » (1). « نزدیک است آسمان ها از بالا متلاشی شوند، فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگار خود را به جای می آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند ، آگاه باشید خداوند آمرزنده و مهربان است » .

تَكَادُ : نزدیک است از جا بکند

السَّمَاوَاتِ : آسمان ها

الْغَفُورُ : بخشنده و آمرزنده

يَنْفَطِرْنَ : از ماده (فَطَرَ) به معنی شکافته شوند

الرَّحِيمِ : مهربان

يُسَبِّحُونَ : تسبیح می کنند

حَمْدِ : ستایش

يَسْتَغْفِرُونَ : از ماده (عَفَرَ) می پوشانند ، مستور می کنند

در این آیه درباره متلاشی شدن آسمان ها دو

ص: 65

1- آیه 5 / سوره شوری.

تفسیر وجود دارد. یکی اشاره به مسئله وحی دارد که تأثیر کلام خدا را نشان می‌دهد که نزولش از آسمان‌ها لرزه بر اندام آنها می‌افکند و آن‌ها را متلاشی می‌سازد و اگر بر کوه‌ها نازل شود از هم می‌شکافد و تفسیر دیگر اینکه آسمانها به خاطر شرك و بت پرستی این مشرکان که پست‌ترین موجودات را هم ردیف مبدأ بزرگ عالم هستی قرار می‌دهند از هم متلاشی می‌گردد و این دو تفسیر در عین حال منافاتی با هم ندارند سپس در دنباله آیه می‌افزاید: «فرشتگان تسبیح و حمد پروردگارشان را به جا می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می‌کنند».

رابطه این جمله با جمله قبل بنابر تفسیر اول چنین است که فرشتگان حامل این وحی بزرگ آسمانی، پیوسته حمد و تسبیح خدا به جا می‌آورند و او را به هر کمالی می‌ستایند و از هر نقصی منزه می‌شمرند و چون در محتوای این وحی بزرگ يك سلسله تکالیف و وظایف الهی است و احیاناً ممکن است برای مؤمنان لغزش‌هایی پیش آید، می‌گویند آن‌ها به یاری مؤمنان می‌شتابند و برای لغزش‌های آن‌ها از خدا طلب آمرزش می‌کنند.

امّا بنابر تفسیر دوم تسبیح و حمد ملائکه برای

تنزیه خداوند از نسبت شرك به او است و استغفار آنها نیز برای مشرکانی است که بیدار شده و ایمان آورده اند و راه توحید را یافته و به سوی پروردگار یکتا بازگشته اند . جایی که این فرشتگان برای این گناه بزرگ در مورد گروه باایمان استغفار می کنند به طریق اولی برای سایر گناهان آنها نیز استغفار خواهند کرد .

نکته ای در اینجا وجود دارد و آن اینکه آیا فرشتگان برای همه استغفار می کنند و آیا جمله « وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ » در اینجا مطلق است و فرشتگان برای تمام اهل زمین (اعم از مؤمن و کافر) استغفار می کنند؟ آیا این معنی ممکن است؟

پاسخ این سؤال را آیه 7 سوره مؤمن داده است زیرا می گوید :

« الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ » .

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها گرداگرد آن تسبیح و حمد می گویند و برای مؤمنان استغفار می نمایند و می گویند : پروردگارا رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است پس کسانی را که توبه

کرده و راه تورا پیروی می کنند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگه دار .

بنابراین شرط استغفار فرشتگان ایمان است به علاوه آنها معصومند و هرگز برای کسانی که زمینه آموزش ندارند تقاضای محال نمی کنند و فقط برای کسانی که اهل توبه هستند استغفار می کنند .

همچنین این آیات به مؤمنان آگاهی می دهد که نیرومندترین قدرت های غیبی عالم و حاملان عرش پروردگار (فرشتگان) پشتیبان شما و دعاگوی شما هستند و پیوسته از خداوند بزرگ می خواهند شما را مشمول عفو و رحمت گسترده اش قرار دهد و از خطاهایتان بگذرد و از عذاب دوزخ نگه دار .

عدد لشکریان پروردگار

اگرچه خداوند فرموده که لشکریان و خازنان دوزخ نوزده نفر است مفهومش این نیست که لشکریان خدا محدود به اینها است بلکه لشکریان پروردگار آن قدر زیادند که به تعبیر بعضی از روایات تمام زمین و آسمان را پر کرده اند و حتی جای پای در تمام عالم هستی نیست مگر اینکه در آنجا فرشته ای به تسبیح خداوند مشغول است .

چنانچه خداوند در آیه 31 سوره مدثر می فرماید :

ص: 68

« وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ مَرَّضُوا وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ » .

«مأموران دوزخ را جز فرشتگان قرار ندادیم و تعداد آن ها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب (یهود و نصاری) یقین پیدا کنند و ایمان مؤمنان افزوده شود و اهل کتاب و مؤمنان تردید به خود راه ندهند و کافران بگویند : خدا از این توصیف چه منظور دارد؟ آری این گونه خداوند هرکس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند و این جز هشدار و تذکری برای انسان ها نیست» .

جَعَلْنَا : قرار دادیم

أَصْحَابَ النَّارِ : رفیقان ملازم آتش

عِدَّتْ : شیء معدود

فِتْنَةً : آن است که به وسیله آن چیزی امتحان شود

كَفَرُوا : کافر شدند

ص: 69

یستیقن : باورکنند و محقق بدانند

یَزِدَادُ : افزوده شود

ایمانا : تسلیم توأم با اطمینان خاطر

یُضِلُّ : اذلال کند ، گمراه کند

یَشَاءُ : می خواهد

جُنُودٌ : جمع (جُند) به معنی سپاه و لشکریان

یَهْدِي : هدایت و راهنمایی می کند

ذِكْرِي : مصدر و به معنی یادآوری

يَعْلَمُ : می داند

خداوند در این آیه فرموده : «به هر حال لشکریان پروردگار را جز او نمی داند و این جز هشدار و تذکری برای انسان ها نیست» . در اینکه ضمیر «هی» در جمله «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ» به چه چیزی برمی گردد . تفاسیر نشان می دهد به «جنود و لشکریان خدا» اشاره دارد زیرا هدف بیان این حقیقت است که اگر خداوند جنود و لشکریانی برای خود برگزیده ، نه به خاطر آن است که خود نمی تواند همه معاندان و گناهکاران را کیفر دهد بلکه این ها برای تذکر و بیداری و توجه به جدی بودن مسأله عذاب الهی است.

نکته ای که قابل توجه است این است که حضور خداوند در همه جا و گسترش قدرتش در تمام عالم هستی ، ذات پاک او را از هر گونه یار و یآوری و

ص: 70

لشکری بی نیاز می کند ولی با این حال برای نشان دادن عظمتش به خلاق و برای تذکر و یادآوری آنها، لشکر و جنود فراوانی برای خود برگزیده است، که معجزی فرمان او در سراسر عالمند.

در روایات اسلامی درباره کثرت و عظمت و قدرت جنود پروردگار، تعبیرات عجیبی وارد شده از جمله اینکه: گروهی از آنها همیشه در سجودند.

و گروهی دائما در رکوعند و سر از رکوعبر نمی دارند. و گروهی دائما ایستاده اند و به عبادت مشغولند.

گروهی همواره تسبیح می گویند و خسته نمی شوند.

گروهی امنای وحی اویند و زبان او به سوی پیامبران و گروهی دیگر حافظان بندگان او و دربانان بهشت برین هستند.

و گروهی پاهایشان در طبقات پایین زمین ثابت و گردنهایشان از آسمان درین گذشته و شانته هایشان برای حفظ پایه های عرش خداوند آماده است.

عصمت ملائکه

آیا ملائکه معصوم هستند؟ آیا قدرت گناه کردن دارند نمی کنند و یا يك بعدی آفریده شده اند و قادر به گناه نیستند؟

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا

النَّاسِ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (1).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگاه دارید. آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می‌نمایند».

جمله «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ...» نشان می‌دهد که فرشتگان قدرت به گناه دارند ولی نمی‌کنند نه اینکه قادر نیستند و نمی‌کنند ولی این آیه راجع به عموم ملائکه نیست و فقط وضع مأموران جهنم را روشن می‌کند. آیه زیر در مورد عموم فرشتگان است که می‌فرماید:

«لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ» (2).

«که هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و به فرمان او عمل می‌کنند».

آنها آن قدر مؤدب و تسلیم و سر بر فرمان خدا هستند که هرگز در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند و از نظر عمل نیز تنها فرمان خدا را اجرا می‌کنند.

ص: 72

1- آیه 6 / سوره تحریم.

2- آیه 27 / سوره انبیاء.

این آیه نشان می دهد که ملائکه قادر به گناه هستند ولی نمی کنند .

« وَ مَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ » (1).

«و هر کس از آنها بگوید من معبود دیگری جز خدا هستم ، کیفر او را جهنم می دهیم و این گونه ستمگران را کیفر خواهیم داد» .

روشن است که فرشتگان با این صفات برجسته و ممتاز و مقام عبودیت خالص ادعای معبودیت نمی کنند و اگر کسی از آنها ادعا کند مورد عذاب است . این می رساند که قدرت این ادعارا دارند ولی نمی کنند .

ماحصل این آیات نشان می دهد که ملائکه خدا معصوم هستند و مختار .

سجود تشریحی ملائکه

در قرآن در آیات مختلف سخن از سجود عمومی موجودات جهان آمده و تأکید شده که این عبادتها مخصوص انسان ها نیست بلکه حتی موجودات ظاهرابی جان نیز در آن شرکت دارند .

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَ

ص: 73

الدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (1).

«آیا ندیدی که سجده می کنند برای خدا تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند همچین خورشید و ماه و کوه ها و ستارگان و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم ، اما بسیاری ابا دارند و فرمان عذاب الهی درباره آنها حتمی است و هر کس را خدا خوار کند ، کسی او را گرامی نخواهد داشت ، خداوند هرکار را بخواهد انجام می دهد» .

يَسْجُدُ : سجده می کند

يُهِنُ : ذلیل و خوار کند

مُكْرِمٍ : گرامی کننده ، عزیز کننده

يَفْعَلُ : انجام می دهد

يَشَاءُ : می خواهد

حَقَّ : حق است و حتمی

الدَّوَابَّ : جنبندگان

با توجه به آیه ، موجودات عالم دارای دوگونه سجودند : سجود تکوینی و سجود تشریحی .

خضوع و تسلیم بی قید و شرط آن ها در برابر اراده حق و قوانین آفرینش و نظام حاکم بر این جهان همان «سجود تکوینی» آن ها است که تمام ذرات موجودات را شامل می شود .

ص: 74

1- آیه 18 / سوره حجّ.

اما «سجود تشریحی» همان نهایت خضوعی است که از صاحبان عقل و شعور و درک و معرفت در برابر خدا تحقق می یابد .

بی شك در جمله « يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... » فرشتگان داخلند ولی آیا سجده آنها تکوینی است یا تشریحی؟

با توجه به اینکه آنها دارای عقل و شعور و معرفت و اراده اند ، سجود آنها جنبه تشریحی دارد . یعنی عبادت و خضوعی است که با اراده و اختیار انجام می گیرد .

چنانچه قرآن درباره فرشتگان می گوید :

«آنها هیچ يك از فرمان های الهی را عصیان نمی کنند و آنچه را که او دستور داده انجام می دهند» . (1)

عروج فرشتگان

« مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ » (2)

«از سوی خداوند ذی المعارج است (خداوندی که فرشتگانش بر آسمان ها صعود می کنند)» .

« تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ » (3)

ص: 75

1- آیه 6 / سوره تحریم .

2- آیه 3 / سوره معارج .

3- آیه 4 / سوره معارج .

«فرشتگان و روح (فرشته مخصوص) به سوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است» .

مَعْرَجٌ : جمع (مَعْرَجٌ) جایی که از آن صعود می کنند

تَعْرُجٌ : عروج می کند

الرُّوحُ : در اینجا به معنی فرشته

كَانَ : هست ، واقع شده

مِقْدَارٌ : اندازه

خَمْسِينَ أَلْفٍ : پنجاه هزار

سَنَةٍ : سال

«مَعْرَجٌ» جمع «مَعْرَجٌ» به معنی پله یا جایی است که از آنجا صعود می کنند و از آنجا که خداوند مقامات مختلفی برای فرشتگان قرار داده که با سلسله مراتب به سوی قرب خدا پیش می روند خداوند به «ذِي الْمَعْرَجِ» توصیف شده است .

همچنین منظور از «عروج فرشتگان» عروج جسمانی نیست بلکه «عروج روحانی» است یعنی آنها به مقام قرب خدا می شتابند و در آن روز که روز قیامت است ، آماده گرفتن فرمان و اجرای آن می باشند و همان گونه که در آیه 17 سوره حاقه آمده است : « وَ الْمَلَكُ عَلِيٌّ أَرْجَائِهَا » «فرشتگان در اطراف آسمان قرار می گیرند» . این می رساند که در آن روز فرشتگان گرداگرد آسمان ها ایستاده و صف کشیده اند و آماده انجام مأموریتند .

در قرآن درباره دیده شدن فرشتگان مطالب زیادی بیان شده از جمله اینکه :

در جریان حضرت ابراهیم که ملائکه چون مأمور به عذاب قوم لوط شدند ، ابتدا پیش ابراهیم علیه السلام آمده و به او مژده ولادت اسحق علیه السلام را دادند آنها در صورت بشر بودند ، ابراهیم آنها را نشناخت و برای آنها گوساله بریان آورد و چون دید نمی خورند ترسید ، آنها گفتند : نترس ، ما ملکیم و برای قوم لوط فرستاده شده ایم ، زن ابراهیم علیه السلام نیز آنها را دید و از مژده ولادت تعجب کرد ، گفتند :

« أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ». آن وقت ملائکه پیش لوط علیه السلام آمدند ، آن حضرت نیز آنها را نشناخت و از ورود آن ها که به صورت جوان بودند ناراحت گردید و آنگاه که قوم لوط خواستند آن ها را از دست لوط بگیرند و لوط بیچاره شد گفتند : « يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا ... » (1).

و همچنین درباره مریم آمده : که ملک در صورت انسان پیش مریم آمد . مریم ترسید که آن جوان شاید نظر سوئی به مریم دارد گفت : من از تو به خدا پناه می برم . فرشته گفت : « قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا » .

ص: 77

این آیات با روایات بیشتر، شاهد صدق هستند بر اینکه ملائکه در صورت ممثل شدن قابل رؤیت اند و در قیامت هم نیکوکاران و هم بدکاران ملائکه را خواهند دید چنانکه درباره نیکوکاران فرموده:

« وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ » (1) و درباره بدکاران فرموده:

« يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا » (2)

فرشتگان عالم بالا از چه چیزی بحث می کنند؟

« مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ » (3).

«من از ملا اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که درباره آفرینش آدم مخاصمه می کردند خبری ندارم».

اگرچه فرشتگان، جدال و مخاصمه ای با پروردگار نداشتند ولی همین اندازه که به هنگام خطاب خداوند به «آنها که من می خواهم خلیفه ای در زمین بیافرینم» آنها به گفتگو پرداختند و عرض کردند: «آیا می خواهی کسی را بیافرینی که فساد و خونریزی کند» که خداوند در پاسخ آن ها فرمود: «من چیزی

ص: 78

1- آیه 23 / سوره رعد.

2- آیه 22 / سوره فرقان.

3- آیه 69 / سوره ص .

می دانم که شما نمی دانید» (1).

به این گفتگوها «مخاصمه» اطلاق شده که يك اطلاق مجازی است .

در روایات متعددی که از طرق شیعه و اهل سنت نقل شده است می خوانیم که پیغمبر گرامی از یکی از یارانش پرسید :

« أَتَدْرِي فِيمَا يَخْتَصِمُ الْمَلَائِئَةُ الْأَعْلَى : أَيَا مِي دَانِي فَرَشْتِغَانِ عَالَمِ بَالَا اَز چِه چیز بحث و گفتگو می کنند؟ » عرض کرد : « نه » .

فرمود : آنها در مورد « کفّارات » (کارهایی که گناهان را جبران می کند) و « درجات » (آنچه بر درجه و رتبه انسان می افزاید) به گفتگو پرداختند . امّا کفّارات ، وضوی پر آب در سرمای زمستان گرفتن و به سوی نماز جماعت گام برداشتن و انتظار نماز بعد از نماز دیگر کشیدن است و امّا درجات ، بسیار سلام کردن و بسیار اطعام دادن و نماز در شب به هنگامی که چشم مردم در خواب است می باشد»

(2)

به هر حال از این حدیث استفاده می شود که منظور از «مخاصمه» در اینجا تنها بحث و گفتگو است نه جدال و کشمکش ، بحث و گفتگو از اعمال

ص: 79

1- آیه 30 / سوره بقره.

2- مجمع البیان.

آدمیان و کارهایی که کفاره گناهان می شود و بر درجات انسان ها می افزاید و شاید گفتگوی آنها در تعداد اعمالی است که سرچشمه این فضایل می گردد و یا در تعیین حد و میزان درجاتی است که از این اعمال حاصل می شود .

فرشتگان چه اموری را تقسیم می کنند؟

« فَأَلْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا » (1): و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند؟

مُقَسَّمَاتٍ : تقسیم کنندگان

أَمْرًا : کار ، چیز

ابتدا در حدیثی می خوانیم : «إِنَّ الْكَوَّاءَ» روزی از حضرت علی علیه السلام در حالی که بر منبر خطبه می خواند سؤال کردند؟ منظور از ذاریاتِ ذُرْوَا « چیست؟ فرمود: «بادها» عرض کرد: «فَالْحَامِلَاتِ وَفِرًا» فرمود: «ابرها» عرض کرد: «فَالْجَارِيَاتِ يُسَّرَا»؟ فرمود: «کشتی ها» عرض کرد: «فَأَلْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا»؟ فرمود: «منظور فرشتگان است» .

در اینجا این سؤال پیش می آید که اگر منظور فرشتگان است ، فرشتگان چه اموری را تقسیم می کنند؟

ص: 80

در پاسخ می‌گوییم: این تقسیم کار ممکن است مربوط به کل تدبیر این عالم باشد که گروه‌هایی از فرشتگان الهی به فرمان او تدبیر امور جهان را برعهده دارند و نیز ممکن است مربوط به تقسیم ارزاق و یا تقسیم قطرات باران بر مناطق روی زمین باشد.

چگونه فرشتگان در میدان‌ها وارد جنگ می‌شوند؟

«إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (1).

(به خاطر بیاورید زمانی را که (از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان تقاضای کمک کردید و او تقاضای شما را پذیرفت و گفت: من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند یاری می‌کنم).

تَسْتَغِيثُونَ: یاری خواستید

إِسْتَجَابَ: پذیرفت

مُمِدُّ: امداد و یاری و فزونی داد

الْفِ: هزار

مُرْدِفِينَ: از ماده (إِزْدَافُ) پشت سر هم قرارگرفته.

ص: 81

این آیات به قسمت های حساسی از جنگ بدر و نعمت های گوناگونی که خداوند در این صحنه خطرناک نصیب مسلمانان کرد اشاره می کند تا حس اطاعت و شکرگزاری آنها را برانگیزد و راه را به سوی پیروزی ها و پیشرفت آینده در برابر آنها بگشاید .

نخست به یاری فرشتگان اشاره کرده می گوید : «به خاطر بیاورید زمانی را که از شدت وحشت و اضطراب که از شدت کثرت نفرات دشمن و فزونی تجهیزات جنگی آن ها برای شما پیش آمده بود به خدا پناه بردید و دست خود را به سوی آسمان بلند کرده و از وی تقاضای کمک نمودید» .

در پاره ای از روایات آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با مسلمان ها در استغاثه(1) و یاری طلبیدن از خداوند هم صدا بود ، دست خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و عرضه می داشت : « اَللّٰهُمَّ اَنْزِلِيْ مَا وَعَدْتَنِيْ . اَللّٰهُمَّ اِنْ تَهْلِكْ هَذِهِ الْعِصَابَةُ لَا تَعْبُدُ فِي الْاَرْضِ : خداوندا وعده ای را که به من داده ای تحقق بخش ، پروردگارا اگر این گروه مؤمنان نابود شوند پرستش تو از زمین برچیده خواهد شد» (2).

ص: 82

1- استغاثه : دادرسی خواستن .

2- مجمع البيان، ذیل آیه.

در این هنگام «خداوند تقاضای شما را پذیرفت و فرمود: من شما را با يك هزار فرشته که پشت سر هم فرود می آیند کمک و یاری می کنم» .

«مُرْدَفِين» از ماده «إِزْدَافُ» به معنی پشت سر هم فرود می آیند ، است بنابراین مفهوم این کلمه این می شود که فرشتگان پشت سر هم یکدیگر برای یاری مسلمان ها فرود می آمدند .

سپس برای اینکه کسی خیال نکند پیروزی به دست فرشتگان و مانند آنها است می گوید: «خداوند این کار را فقط برای بشارت و اطمینان قلب شما قرار داد» .

«وگرنه پیروزی جز از طرف خدا نیست و مافوق همه این اسباب ظاهری و باطنی اراده و مشیت خداست و خداوند توانا و حکیم است» .

آیا فرشتگان جنگیدند؟

در میان مفسران در این زمینه گفتگوی بسیار شده بعضی معتقدند که فرشتگان رسماً وارد صحنه نبرد شدند و با سلاح های مخصوص به خود به لشکر دشمن حمله کردند . ولی قرآنی در دست است که نشان می دهد نظر گروه دوم که می گویند: فرشتگان تنها برای دلگرمی و تقویت روحیه مؤمنان نازل شدند ، به واقع نزدیک تر است زیرا :

اولاً: در آیه فوق خواندیم که می فرمود: این ها

تمام برای اطمینان قلب شما بوده است که با احساس این پشت گرمی بهتر مبارزه کنید، نه اینکه آنها اقدام به جنگ کرده باشند.

ثانیا: اگر بنا شود فرشتگان، شجاعان و سربازان دشمن را به خاک افکنده باشند چه فضیلتی برای مجاهدان بدر باقی خواهد ماند.

ثالثا: تعداد مقتولین بدر 70 نفر بودند که قسمت مهمی از آنها با شمشیر علی علیه السلام به خاک افتادند و قسمت دیگری به دست جنگجویان اسلام، بنابراین چه باقی خواهد ماند برای فرشتگان و چه کسی از آن ها را فرشتگان به خاک افکندند.

چرا فرشتگان را فرزندان خدا می نامند؟

«وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ» (1) «آنها گفتند: خداوند رحمن فرزندی برای خود برگزیده است منزّه است (از این عیب و نقص). این ها فرشتگان بندگان خدایند و بندگان شایسته فرمانبردار».

قَالُوا: كَفْتُنْد

اتَّخَذَ: برگزیده، اخذ کرده

الرَّحْمَنُ: بسیار بخشنده

وَلَدًا: فرزند

سُبْحَانَ: منزّه و پاک

ص: 84

بسیاری از مشرکان عرب عقیده داشتند که فرشتگان فرزندان خدا هستند و به همین دلیل گاه آنها را پرستش می کردند . قرآن صریحاً در آیات فوق این عقیده خرافی و بی اساس را محکوم کرده و بطلان آن را با دلایل مختلف بیان می کند .

نخست می گوید :

(وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا) .

یعنی اگر منظورشان فرزند حقیقی باشد که لازمه آن جسم بودن است و اگر «تَبَّیُّ» (1) که در میان عرب معمول بوده است باشد ، آن نیز دلیل بر ضعف و احتیاج است و از همه اینها گذشته اصولاً کسی نیاز به فرزند دارد که فانی می شود و برای بقاء نسل و کیان و آثار او باید فرزندش حیات او را ادامه دهد و یا برای عدم احساس تنهایی و انس گرفتن یا کسب قدرت است . اما يك موجود ازلی و ابدی و غیر جسمانی و از هر نظر بی نیاز ، فرزند در مورد او معنی ندارد . لذا بلافاصله می فرماید : «سَبَّحَانَهُ : منزه و پاک است او (از هر عیب و نقص) و بعد در ادامه می فرماید : «آنها فرشتگان بندگان شایسته و گرامی داشته خدایند» .

ص: 85

1- تَبَّیُّ : فرزندخواندگی.

چرا فرشتگان را بصورت زن و دختر ترسیم می کنند؟

« وَ جَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَدَّ هَدُوا خَلَقَهُمْ سَوَّاتُنَّ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ » (1) « آنها فرشتگان را که بندگان خدایند ، مؤنث پنداشتند ، آیا به هنگام آفرینش آن ها شاهد و حاضر بودند ؟ این گونه آنها نوشته می شود و از آن ها بازخواست خواهند شد . »

جَعَلُوا : قرار دادند

إِنَاثًا : مؤنث ، زنان

أَشْهَدُوا : شاهد بودند

خَلَقَ : آفرینش

سَوَّاتُنَّ : نوشته می شود

يُسْأَلُونَ : سؤال می کنند ، طلب می کنند

در این آیه خداوند با صراحت بیشتری می فرماید : « آنها فرشتگان را که بندگان خدایند مؤنث پنداشتند و دختران خدا معرفی کردند . »

آری ، آن ها بندگان شایسته خدا هستند و سر بر فرمان او دارند و تسلیم اراده خدایند . تعبیر به «عباد» در واقع جواب پندار آن ها است ، زیرا اگر مؤنث بودند باید «عبادات» گفته شود ، ولی باید توجه داشت که «عباد» هم جمع مذکر است و هم به موجوداتی که خارج از مذکر و مؤنث باشند ، مانند

ص: 86

فرشتگان اطلاق می شود ، همان گونه که در مورد خود خداوند نیز ضمیرهای مفرد مذکر به کار می رود ، درحالی که خدا مافوق همه این ها است .

قابل توجه اینکه در این جمله «عِبَادُ» به «الرَّحْمَنُ» اضافه شده ، این تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که غالب فرشتگان مجریان رحمت خداوند و تدبیرکنندگان نظامات عالم هستی که سراسر رحمت است می باشند .

اما چرا این خرافه در میان عرب جاهلی پیدا شد ؟ و چرا هم اکنون رسوبات آن در مغزهای گروهی باقی ماده تا آنجا که فرشتگان را به صورت زن و دختر ترسیم می کنند حتی به اصطلاح «فرشته آزادی» را وقتی مجسم می سازند در چهره زنی باقیافه زیبا و موهای فراوان ترسیم می کنند !

این پندار ممکن است از اینجا سرچشمه گرفته باشد که فرشتگان از نظر مستورند و زنان نیز غالبا مستور بوده اند و یا اینکه لطافت وجود فرشتگان سبب شده که آن ها را هم جنس زنان که نسبت به مردان موجودات لطیف تری هستند بدانند و عجب اینکه بعد از مبارزه اسلام با این تفکر خرافی باز هم هنگامی که می خواهند زنی را به خوبی توصیف کنند می گویند او يك فرشته است و کلمه فرشته را نیز

به جای نام برای دختران انتخاب می کنند .

برای همین خداوند به صورت استفهام انکاری در پاسخ آنها می گوید : « آیا به هنگام آفرینش فرشتگان حاضر بودند و از طریق حضور خود به این امر پی برده اند ، گواهی آنها بر این عقیده بی اساس در نامه های اعمالشان ثبت می شود و روز قیامت مورد سؤال قرار می گیرند .

همچنین در سوره نحل ، آیه 57 آمده است که :

« وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَ لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ »

« آنها در پندار خود برای خداوند دخترانی قرار می دهند ، منزّه است او (از اینکه فرزندی داشته باشد) ، ولی برای خودشان آنچه را میل دارند قائل می شوند» .

همچنین مشرکان برای خداوندی که از هرگونه آرایش جسمانی پاک است دخترانی قائل می شوند و معتقد بودند که فرشتگان دختران خدایند یا بدون ذکر انتساب به خدا آنها را از جنس زن می دانستند .

برای همین خداوند در سوره اسراء آیه 40 هم می فرماید : « أَفَأَصْفُكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا : آیا خداوند به شما پسرانی داده و از فرشتگان ، دخترانی انتخاب کرده است» .

« مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ » (1)

«هرکسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان و جبرئیل و میکائیل باشد، (کافر است) و به راستی که خداوند دشمن کافران است».

کان : باشد

عَدُوٌّ : دشمن

جِبْرِيلَ : فرشته جبرئیل

مِيكَالَ : فرشته میکائیل

كَافِرِينَ : کسانی هستند که اصول دین را انکار می کنند .

در این آیه اشاره به این شده که الله، فرشتگان او، فرستادگان او، جبرئیل، میکائیل و هر فرشته دیگر قابل تفکیک نیستند و در حقیقت دشمنی با یکی دشمنی با بقیه است .

و به تعبیر دیگر دستورات الهی که تکامل بخشی انسان ها است از سوی خداوند به وسیله فرشتگان بر پیامبران نازل می شود و اگر تفاوتی بین

ص: 89

مأموریت های آن ها باشد از قبیل تقسیم مسئولیت است نه تضادّ در مأموریت آن ها ، آن ها همه در يك مسیر هدف قرار دارند بنابراین دشمنی با یکی از آن ها ، دشمنی با خدا است .

دلیل آمدن نام این دو فرشته گرانقدر (جَبْرِیلُ و میکالُ) پس از واژه «فرشتگان» در این آیه شریفه ، این است که این دو فرشته مقام و منزلت خاصی در میان فرشتگان دارند .

نام «جبریل» سه بار (يك بار در سوره تحریم آیه 4 و دو بار در سوره بقره آیه 97 و 98) و نام «میکال» يك بار (در همین آیه) آمده است و از همین آیات استفاده می شود که هر دو از فرشتگان بزرگ و مقربّ خدایند .

در تلفظات معمولی مسلمین جبرئیل و میکائیل هر دو با همزه و یاء تلفظ می شوند ولی در متن قرآن تنها به صورت میکال و جبریل آمده است .

عدّه ای گفته اند ، نام این دو فرشته بدان جهت در آیه شریفه ذکر شده که یهود با آن ها اظهار دشمنی کردند و گروهی نیز برآند که علّت ذکر نام این دو فرشته ، این است که همه بدانند آن دو ، از فرشتگان گرانقدر خدا هستند و یهودیان پندارهای بی اساس در مورد آن ها دارند .

در کتب اسلامی معمولاً چهار فرشته مقرب الهی را «جبرئیل» و «میکائیل» و «اسرافیل» و «عزرائیل» شمرده اند که از میان آن ها «جبرئیل» از همه برتر است . جبرئیل فرشته ای روحانی است و هم وجودی است حیاتبخش چراکه حامل رسالت الهی بر پیامبران است که احیاءکننده همه انسان های لایق می باشد .

پنج وصف برای جبرئیل

« إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (1) : که این قرآن کلام فرستاده بزرگواری است (جبرئیل امین)» .

« ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ » (2)

«که صاحب قدرت است و نزد خداوند صاحب عرش مقام والا دارد» .

« مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٌ » (3) : فرمانروا و امین است .

قَوْلٌ : سخن ، کلام

کَرِيمٌ : بخشنده

ص: 91

-
- 1- آیه 19 / سوره تکویر .
 - 2- آیه 20 / سوره تکویر .
 - 3- آیه 21 / سوره تکویر .

ذی قُوَّةٍ : صاحب قدرت

ذی العَرْشِ : صاحب عرش

مَکینٍ : کسی که به صاحب منزلت است

مُطاعٍ : فرمانبردار ، اطاعت کننده

تُمَّ : اسم اشاره به مکان بعید

أَمین : درستکار ، امانتدار

خداوند در این آیات پنج وصف برای «جبرئیل» پیک وحی الهی بیان کرده که در حقیقت اوصافی است که برای هر فرستاده جامع شرایط لازم است .

نخست اینکه توصیف او به «کریم بودن» که اشاره به ارزش وجودی او است آری او نزد پروردگار موجودی است با ارزش و بااهمیت .

و سپس به وصف دیگر او پرداخته می گوید :

(ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذی العَرْشِ مَکینٍ) .

تعبیر به « ذی قُوَّةٍ » درباره جبرئیل به خاطر آن است که برای دریافت چنین پیام بزرگ و ابلاغ دقیق آن قدرت و نیروی عظیمی لازم است و اصولاً هر رسول و فرستاده ای باید در حدود رسالت خود صاحب قدرت باشد مخصوصاً باید از هرگونه فراموشکاری در زمینه پیامی که مسئول ابلاغ آن است برکنار باشد .

و تعبیر به «ذی العَرْشِ» اشاره به ذات پاک خداوند است گرچه او صاحب تمام عالم هستی است ولی از آنجا که عرش خواه به معنی ماوراء باشد و یا

مقام علم مکنون خداوند ، اهمیت بیشتری دارد ، او را به صاحب عرش بودن توصیف می کند.

«مکین» به معنی کسی است که صاحب منزلت و مکان است اساساً باید رسول شخص بزرگ و فرد برجسته ای باشد که بتواند نمایندگی و رسالت او را به عهده گیرد و کاملاً مقرب و نزدیک او باشد و مسلماً تعبیر به «عند» به معنی حضور مکانی نیست ، چراکه خداوند مکان ندارد بلکه حضور مقامی و قرب معنوی است .

در چهارمین و پنجمین توصیف می گوید :

«او فرمانروای فرشتگان و امین است» «مُطَاعِ ثُمَّ آمین».

تعبیر به «ثُمَّ» که برای اشاره به بعید است ناظر به این حقیقت است که پیک وحی خدا در عالم فرشتگان نافذالکلمه و مورد اطاعت است و از همه این ها گذشته در ابلاغ رسالت خویش نهایت امانت را دارد .

از روایات استفاده می شود که جبرئیل هنگام ابلاغ وحی و قرآن از سوی گروه عظیمی از فرشتگان همراهی می شد و مسلماً در میان آن ها «مُطَاع» بود و یک رسول باید در میان همراهانش فرمانروا و مطاع باشد .

در حدیثی آمده است : به هنگام نزول این آیات پیغمبر اکرم به جبرئیل فرمود :

«چه خوب خداوند تو را ستوده است که فرموده ، صاحب قدرت است و در نزد خداوند صاحب عرش قرب و مقام دارد و در آنجا فرمانروا و امین است ، نمونه ای از قدرت و امانت خود را بیان کن ، جبرئیل

در پاسخ عرض کرد: اما نمونه قدرت من اینکه مأمور نابودی شهرهای قوم لوط شدم و آن چهار شهر بود، در هر شهر چهارصد هزار مرد جنگجو وجود داشت به جز فرزندان آن ها، من این شهرها را از بین برداشتم و به آسمان بردم تا آنجا که فرشتگان آسمان صدای حیوانات آنها را شنیدند پس به زمین آوردم و زیر و رو کردم و اما نمونه امانت من این است که هیچ دستوری به من داده نشده که از آن دستور کمترین تخطی کرده باشم» (1).

جبرئیل فرشته وحی و اوصاف او

« نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ » (2)

«روح الامین آن را (قرآن) نازل کرده است» .

نَزَلَ: پایین آورد، نازل کرد

الرُّوحُ الْأَمِينُ: منظور جبرئیل است

خداوند به خاطر اینکه نشانه اعجاز قرآن و اینکه از سوی رب العالمین نازل شده است را در این آیه اضافه می کند «آن را روح الامین از سوی خداوند آورده است» .

اگر آن فرشته وحی و آن «روح الامین پروردگار»، آن را از سوی خدا نیاورده بود این چنین درخشان و

ص: 94

1- مجمع البیان، جلد 10، صفحه 446.

2- آیه 193 / سوره شعراء.

پاك و خالی از آلودگی به خرافات و اباطیل نبود .

قابل توجه اینکه فرشته وحی که همان جبرئیل است در اینجا با دو عنوان توصیف شده عنوان «روح» و عنوان «امین» . روحی که سرچشمه حیات است و امانتی که شرط اصلی هدایت و رهبری است .

« قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ » (1).

«بگو، آن را روح القدس از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمین» .

«روح القدس» یا «روح مقدس» همان پیک وحی «جبرئیل امین» است و اما چرا جبرئیل را «روح القدس» می گویند، به خاطر این است که از طریقی جنبه روحانیت در فرشتگان مسأله روشنی است و اطلاق کلمه (روح) بر آنها صحیح است و اضافه کردن آن به «الْقُدُس» اشاره به پاکی و قداست فوق العاده این فرشته است .

از این آیات نتیجه می گیریم که واسطه وحی خدا «جبرئیل» بوده و با القاب «روح القدس» و «روح الامین» بیان شده است .

ص: 95

جبرئیل معلّم پیامبر بود یا نه ؟

« عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى » (1).

«آن کسی که قدرت عظیمی دارد او را (حضرت محمد صلی الله علیه و آله) تعلیم داده است» .

عَلَّمٌ : تعلیم داد

شَدِيدٌ : سخت ، محکم

الْقُوَى : نیروها و قوت ها

نظریه مشهور مفسران این است که معلّم پیامبر همان «جبرئیل» پیک وحی خدا بود که قدرت فوق العاده داشت او که معمولاً به صورت انسانی خوش چهره بر پیامبر ظاهر می گشت و پیام الهی را ابلاغ می کرد . دویار در تمام عمر آن حضرت به قیافه و چهره اصلیش بر او ظاهر می گشت .

این تفسیر را که منظور از «شَدِيدُ الْقُوَى» جبرئیل امین است گروه زیادی از مفسران از جمله طبرسی (مجمع البیان) ، فخر رازی (مفاتیح الغیب) و علامه طباطبایی (المیزان) ، ... برگزیده اند .

ولی این تفسیر با تمام طرفدارانی که دارد خالی از اشکال نیست : زیرا تعبیر به «عَلَّمَهُ» یا مانند آن در قرآن هیچ گاه در مورد جبرئیل به کار نرفته و این تعبیر در مورد خداوند نسبت به پیامبر اسلام و

ص: 96

پیامبران دیگر بسیار زیاد است و یا به عبارت دیگر جبرئیل معلم پیامبر نبود بلکه واسطه وحی بود و معلّمش تنها خدا است و «شَدِيدُ الْقُوَى» به معنی کسی است که تمام قدرت هایش فوق العاده است و تنها مناسب ذات پاک پروردگار است .

روح فرشته ای برتر از جبرئیل و میکائیل

« يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا » (1).

«این ها در آن روز واقع می شوند که "روح" و "ملائکه" در يك صف قیام می کنند و هیچ يك جز به اذن خداوند رحمن سخن نمی گوید و آن گاه که می گویند ، صواب می گویند» .

يَقُومُ : قیام می کنند به معنی وقوع امر

الرُّوحُ : روان و روح ، در اینجا منظور فرشته مخصوص

صَفًّا : جمع صاف ، صف کشیده

يَتَكَلَّمُونَ : سخن می گویند ، تکلم می کنند

أَذِنَ : در اینجا چون با لام آمده به معنی اجازه و گوش دادن

الرَّحْمَنُ : بخشنده

قَالَ : می گویند ، بگویند

صَوَابًا : حق و درست مطابق حکمت و عقل

ص: 97

بدون شك قیام «روح» و «فرشتگان» در آن روز در يك صف و سخن نگفتن جز به اذن خداوند رحمن فقط برای اجرای فرمان او است، آن ها در این جهان نیز «مدبرات امر» و مجری فرمان او هستند و در عالم آخرت این امر آشکارتر و واضح تر است .

قابل توجه اینکه روح در قرآن مجید به صورت مطلق و بدون هیچ قید ذکر شده و در این حال غالباً در برابر ملائکه قرار گرفته مانند :

« تُعْرَجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ » (1).

«فرشتگان و روح به سوی او بالا می روند» .

« تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ » (2).

«در شب قدر ملائکه و روح به فرمان پروردگارشان با هر چیزی نازل می شوند» .

در همه این آیات سخن از روحی است که در عروج به سوی خدا و در نزول برای هر کار و در ایستادن در پیشگاه خدا و در روز قیامت ، با ملائکه همراه است .

پس منظور از روح در اینجا یکی از فرشتگان بزرگ الهی است که بر طبق بعضی از روایات حتی از جبرئیل بهتر و برتر است .

ص: 98

1- آیه 4 / سوره معارج .

2- آیه 4 / سوره قدر .

چنانچه در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم : « او فرشته ای است بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل » (1)

در دعای سوم صحیفه پس از صلوات بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل فرموده :

« وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ : صلوات فرست بر آن روح که بر ملائکه حجب موکل است و بر آن روح که از امر تو است » (2).

در تفسیر «علی بن ابراهیم» نیز آمده است : « الروح ملك اعظم من جبرئيل و ميكائيل و كان مع رسول الله و هو مع الأئمة (ع) : روح فرشته ای برتر از جبرئیل و میکائیل و او با رسول خدا همراه بوده و با امامان است .

این مخلوق بزرگ الهی خواه از فرشتگان باشد یا از موجودی دیگر ، در قیامت همراه ملائکه آماده اطاعت فرمان او هستند و چنان هول و اضطراب محشر همه را فرا گرفته که هیچ کس را یارای سخن گفتن نیست و آنگاه که ذکری یا سخنی بگویند یا شفاعتی کنند ، تنها به اذن پروردگار است ، حمد و ثنای او می گویند و یا شفاعت کنند ، تنها به اذن پروردگار است ، حمد و ثنای او می گویند و یا شفاعت

ص: 99

1- مجمع البیان ، جلد 10 ، صفحه 427.

2- مجمع البیان ، جلد 10 ، صفحه 428.

برای آن‌ها که شایسته شفاعت هستند .

تعبیر به «صوابا» دلیل بر این است که اگر روح و ملائکه یا انبیاء و اولیاء برای کسانی صحبت می‌کنند و شفاعت می‌کنند آن هم روی حساب است و حق و درست و بی دلیل نیست .

ماجرای هاروت و ماروت دو ملک بزرگ الهی

« وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ » (1).

«و (یهودیان) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی می‌کنند . سلیمان هرگز کافر نشد و لکن شیاطین کفر ورزیدند و به مردم تعلیم سحر دارند و نیز (یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل "هاروت" و "ماروت" نازل شد پیروی کردند (آنها طریق سحر کردن را برای آشنایی با طرز ابطال آن به

ص: 100

مردم یاد می دادند) و به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند مگر اینکه قبلاً به او می گفتند ما وسیله آزمایش شما هستیم ، کافر نشوید . ولی آنها از آن دو فرشته مطالبی را می آموختند که بتواند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند ولی هیچ گاه بدون فرمان خدا نمی توانند به انسانی ضرر برسانند ، آنها قسمت هایی را فرا می گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی نداشت و مسلماً می دانستند هرکس خریدار این گونه متاع باشد بهره و فایده ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند بود آن چه خود را به آن می فروختند : اگر علم و دانش می داشتند» .

اتَّبِعُوا : پیروی کردند

تَتَلَّوْا : دنبال می کردند ، تلاوت می کردند

فَتَنَّا : آزمایش ، آزمون

السِّحْرَ : سحر و افسون

كَفَرُوا : کافر شدند

مَرءٌ : مرد

إِذْنٍ : آگاهی ، فرمان ، اجازه ، دستور

خَلَاقٍ : بهره و برخورداری شایسته

اِشْتَرَى : خریدار

مَاشَرَوْا : ما : آنچه ، شَرَوْا : فروختند

مَا يَضُرُّ : زیان و گزند می رسانید

لَا يَنْفَعُ : سودی نمی آورند

ص: 101

درباره «هاروت» و «ماروت» این دو فرشته بزرگ که به سرزمین بابل آمدند افسانه ها و اساطیر عجیبی به وسیله داستان پردازان ساخته شده و به این دو ملك بزرگ الهی بسته اند. آنچه از میان همه این ها صحیح تر به نظر می رسد و به موازین عقلی و تاریخی و منابع حدیث سازگار است همان است که در ذیل می خوانیم:

«در سرزمین بابل سحر و جادوگری به اوج خود رسیده بود و باعث ناراحتی مردم گردیده بود به همین دلیل خداوند دو فرشته را به صورت انسان مأمور ساخت که عوامل سحر و طریق ابطال آن را به مردم بیاموزند و مردم را به طرف خود بکشانند و راه های مبارزه با آفت جنون آمیز سحر و افسون را که در آن روزگاران زندگی را به مردم تلخ و دردناک ساخته بود به آنان بیاموزند و سحر و جادو را از معجزه ای که سند صداقت و درستی پیامبران خدا است بازسناسانند و مردم را در برابر آن جادوگران یاری کنند تا مردم بتوانند خود را از شرّ ساحران برکنار کنند ولی این تعلیمات بالاخره قابل سوء استفاده بود چراکه فرشتگان ناچار بودند برای ابطال سحر ساحران طرز آن را نیز تشریح کنند تا مردم

بتوانند از این راه به پیشگیری بپردازند ، این موضوع سبب شد که گروهی پس از آگاهی از طرز سحر ، خود در ردیف ساحران قرار گرفتند و موجب مزاحمت تازه ای برای مردم شدند .

با اینکه آن دو فرشته بزرگ الهی «هاروت» و «ماروت» به مردم هشدار می دادند که این يك نوع کفر است اما آنها به کارهایی می پرداختند که موجب ضرر و زیان مردم می شد . (مجمع البیان)

در اینجا سؤالی باقی می ماند و آن اینکه «هاروت» و «ماروت» دو فرشته بزرگ الهی بودند که برای مبارزه با آزار و اذیت ساحران به تعلیم مردم پرداختند آیا به راستی فرشته می تواند معلم انسان باشد ؟

پاسخ این سؤال در همین آیه ذکر شده است و آن اینکه خداوند آن ها را به صورت انسان هایی درآورد تا بتوانند این رسالت خود را انجام دهند .

این حقیقت را می توان از آیه 9 سوره انعام دریافت آنجا که می گوید :

« وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا : اگر او (پیامبر) را فرشته ای قرار می دادیم حتما او را به صورت مردی جلوه گر می ساختیم» .

آیا جنّ و ملك يك حقيقت هستند و از يك چيز آفريده شده اند يا نه؟ آیا شيطان از جنّ است يا از ملك؟

جنّ و ملائکه بنا بر آنچه از قرآن استفاده می شود يك حقيقت نيستند و شيطان ملك نيست بدین بيان :

1 _ در قرآن در مورد اين كه فرشتگان از چه چيز آفريده شده مطلب روشن و صريحی نيامده ولی دوبار تصريح شده كه جانّ از آتش به خصوصى آفريده شده كه در سوره حجر آيه 27 _ سوره رحمن ، آيه 15 آمده است و شيطان بارها گفته است « خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ » .

2 _ راجع به ملائکه ابتدا ذکر گناهی در قرآن نيست بلکه فقط « عِبَادٌ مُكْرَمُونَ (1) ، لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (2) ، يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ » (3) و نظير اين ها آمده است ولی درباره جنّ ، گناه ، اطاعت ، شرك ، مرگ ، رفتن به جهنّم و غيره ذکر شده است .

3 _ ابليس داراي ذريّه است چنانچه فرموده :

ص: 104

1- آيه 26 _ 27 / سوره انبياء.

2- آيه 26 _ 27 / سوره انبياء.

3- آيه 20 / سوره انبياء.

« وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِیْسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهِ فَتَتَّخِذُوْنَهُ وَّ ذُرِّيَّتَهُ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِیْ وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ لِّلظٰلِمِیْنَ بَدَلًا » (1): به یاد آورید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید ، آنها همگی سجده کردند ، جز ابلیس ، او از جن بود ، سپس از فرمان پروردگار خارج شد ، آیا او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید در حالی که دشمن شما هستند؟ این ها چه جانشین های بدی برای ظالمان هستند» .

ولی راجع به ذریه ملائکه خبری در قرآن نیست .

4_ شیطان چنانچه آیه فوق نشان می دهد از جن بود که از امر خدا بیرون رفت ولی در جایی تصریح نشده که او از ملائکه بوده مگر استثنا در آیات سجده ملائکه .

5_ در آیه فوق هست که « وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ » یعنی شیطان و ذریه اش دشمن بشر هستند ، اما چنانچه می دانیم ملائکه دوست بشر هستند و به آدم سجده کرده اند و بر آدمیان چنانچه گفته شد ، استغفار می کنند و شفاعت خواهند کرد .

6_ درباره جن آمده :

ص: 105

« وَ لَقَدْ ذَرَعْنَا لِيَجْهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ » (1)

«به طور مسلم گروه بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریده ایم» .

« وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ ضَلَّوْنَا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ : (2) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند : پروردگارا آن دو گمراهگری که از جنّ و انس ما را گمراه کردند به ما نشان ده» .

ولی اضلال و جهتمی بودن درباره ملائکه در قرآن نیامده است .

7_ جنّ با انس دو موجود مکلف زمین و دوش به دوش انسان در هدایت و ضلالت و غیره است در حالی که درباره ملك چنین چیزهایی سراغ نداریم .

ملك در قرآن در آیه های زیر آمده است :

مطالب بیان شده درباره فرشتگان در کلّ قرآن

درباره فرشتگان در سوره ها و آیه های زیر مطالبی بیان شده که با توجه به جمع و مفرد بودن و نوع آن ها ذکر شده است .

ص: 106

1- آیه 50 / سوره كهف.

2- آیه 29 / سوره فصلت.

سوره آیه سوره آیه

انعام 8 اعراف 20

انعام 9 هود 12

انعام 5 هود 31

نجم 26 اسراء 95

یوسف 32 حاقه 17

فجر 22 فرقان 7

ملك الموت (فرشته مرگ): سجده 11

رقيب وعتيد (فرشته): ق 18

السائق الشهيد (فرشته): ق 22

رُوحُ الأَمِينِ (فرشته وحی): ق 193

رُوحُ القُدُس (فرشته وحی): بقره 88 بقره 253

سوره آیه سوره آیه

آل عمران 39 آل عمران 42

آل عمران 45 مائده 110

نحل 102 مریم 17

مریم 21 مریم 24

جبرئیل (فرشته بزرگ):

بقره 97 بقره 98

آل عمران 39 آل عمران 45

سوره آیه سوره آیه

تحریم 4 تکویر 19

تکویر 20

الملائكة :

سوره آیه سوره آیه

بقره 31 بقره 32

بقره 34 بقره 162

بقره 210 بقره 248

آل عمران 42 آل عمران 18

آل عمران 45 آل عمران 80

آل عمران 124 آل عمران 125

آل عمران 87 بقره 285

بقره 177 بقره 35

بقره 97 نساء 17

نساء 97 نساء 166

نساء 136 حجر 7

حجر 28 حجر 29

حجر 8 حجر 30

نحل 33 نحل 32

نحل 2 نحل 28

ص: 108

سوره آیه سوره آیه

نحل 49 انبیاء 26

انبیاء 27 انبیاء 103

ص 71 ص 73

تحریم 4 تحریم 6

سبأ 40 سبأ 41

فاطر 1 شوری 5

مؤمن 7 مؤمن 9

حج 75 انفال 9

انفال 10 انفال 12

فصلت 30 فصلت 38

فصلت 14 رعد 13

رعد 24 زمر 75

احزاب 43 احزاب 56

ذاریات 4 مریم 64

فرقان 7 فرقان 25

فرقان 22 محمّد 27

اسراء 40 اسراء 92

اسراء 95 اسراء 61

اسراف 11 اعراف 37

زخرف 19 زخرف 60

قدر 4 فجر 22

نجم 27 نجم 26

ص: 109

سوره آیه سوره آیه

انعام 93 انعام 111

انعام 61 انعام 158

صافات 150 صافات 169

صافات 2 و 3 صافات 164

مؤمنون 24 كهف 50

طه 116 مرسلات 1

مرسلات 20 نازعات 14

معارج 4 انفطار 12

حاقه 17 نبأ 38

_ الملائكة الحافظون : 10 انفطار

_ الملائكة السابحات : 3 نازعات

_ الملائكة السابقات : 4 نازعات

_ الملائكة المدبرات : 5 نازعات

_ الملائكة السفرة : 15 عبس

_ الملائكة الكلابيون : 80 زخرف

_ الملائكة المسؤومون : 125 آل عمران

_ الملائكة المقربون : 172 نساء

_ الملائكة المردفون : 9 انفال

_ الملائكة المسبحون : 166 صافات

_ الملائكة المعقبات : 11 رعد

_ الملائكة المقسمات : 4 ذاريات

ص: 110

_ الملائكة المُتَزَلُّون : 124 آل عمران

_ الملائكة المَقْتَرِنُونَ : 53 زخرف

_ الملائكة النَّازِعَات : 1 نازعات

_ الملائكة النَّاشِطَات : 2 نازعات

_ الملائكة المَحْصُونَ : 113 مؤمنون

_ الملائكة الكرام البررة : 16 عبس

_ الملائكة الغلاظ الشداد : 6 تحریم، 18 علق

_ الملائكة الكرام الكاتبين : 21 يونس، 80 زخرف

11 انفطار

ص: 111

شگفتی خلقت فرشتگان و تسیح فرشتگان و شناخت ملائکه

حضرت علی علیه السلام می فرماید: ثُمَّ فَتَقَّ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَا، فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَارًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ، مِنْهُمْ سَجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ وَرُكُوعٌ لَا يَنْتَصِبُونَ وَصَافُونَ لَا يَتَزَايِلُونَ وَ مُسَبِّحُونَ لَا يَسْأَمُونَ، لَا يَعْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ وَلَا سَهُوُ الْعُقُولِ وَلَا فِتْرَةُ الْأَبْدَانِ وَلَا غَفْلَةُ النَّسِيَانِ وَ مِنْهُمْ أَمْنَاءٌ عَلَى وَحْيِهِ وَالسَّيْنَةُ إِلَى رُسُلِهِ وَ مُخْتَلِفُونَ بِقَضَائِهِ وَ أَمْرِهِ وَ مِنْهُمْ الْحَفِظَةُ لِعِبَادِهِ وَ السَّدَنَةُ لِأَبْوَابِ حِنَانِهِ. وَ مِنْهُمْ الثَّابِتَةُ فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى أَقْدَامُهُمُ الْمَارِقَةُ مِنَ السَّمَاءِ الْعُلْيَا أَعْنَاقُهُمْ وَ الْخَارِجَةُ مِنَ الْأَقْطَارِ أَرْكَانُهُمْ وَ الْمُنَاسِبَةُ لِفَوَائِمِ الْعَرْشِ أَكْتِافُهُمْ نَاكِسَةٌ دُونَهُ أَبْصَارُهُمْ مُتَلَحِّخُونَ تَحْتَهُ بِأَجْنِحَتِهِمْ، مَضْرُوبَةٌ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَنْ دُونَهُمْ حُجُبُ الْعِزَّةِ وَ اسْتِثَارُ الْقَدْرَةِ. لَا- يَتَوَهَّمُونَ رَبَّهُمْ بِالتَّصْوِيرِ وَلَا يُجْرُونَ عَلَيْهِ صِفَاتِ الْمَصْنُوعِينَ وَلَا يَحُدُّونَهُ بِالْأَمَاكِنِ وَلَا يُشِيرُونَ إِلَيْهِ بِالتَّنَظِيرِ. (1)

سپس آسمان های بالا را از هم گشود و از فرشتگان گوناگون پر نمود. گروهی از فرشتگان همواره در سجده هستند و رکوع ندارند و گروهی در رکوعند و یارای ایستادن ندارند و گروهی در صف هایی ایستاده اند که پراکنده نمی شوند و

ص: 112

گروهی همواره تسبیح گویند و خسته نمی شوند و هیچ گاه خواب به چشمشان راه نمی یابد و عقل های آنان دچار اشتباه نمی گردد . بدن های آنان دچار سستی نشده و آنان دچار بی خبری برخاسته از فراموشی نمی شوند. برخی از فرشتگان ، امینان وحی الهی و زبان گویای وحی پیامبران می باشند ، که پیوسته برای رساندن حکم و فرمان خدا در رفت و آمدند . جمعی از فرشتگان حافظان بندگان و جمعی دیگر دربانان بهشت خدایند . بعضی از آنها پاهایشان در طبقات پایین زمین قرار داشته و گردن هایشان از آسمان فراتر و ارکان وجودشان از اطراف جهان گذشته ، عرش الهی بر دوش هایشان استوار است ، برابر عرش خدا دیدگان به زیرافکنده و در زیر آن ، بال ها را به خود پیچیده اند . میان این دسته از فرشتگان با آنها که در مراتب پایین تری قرار دارند . حجاب عزت و پرده های قدرت ، فاصله انداخته است . هرگز خدا را با وهم و خیال ، در شکل و صورتی نمی پندارند و صفات پدیده ها را بر او روا نمی دارند ؛ هرگز خدا را در جایی محدود نمی سازند و نه با همانند آوردن به او اشاره می کنند .

ویژگی های فرشتگان ، اقسام فرشتگان ، تواضع فرشتگان ،

صفات والای فرشتگان ، پاك بودن فرشتگان از رذایل اخلاقی ، فراوانی راز و نیاز ملائکه و روانشناسی ملائکه

حضرت علی علیه السلام می فرماید : ثُمَّ خَلَقَ سِدِّحَانَهُ لِإِسْكَانِ سَمَوَاتِهِ وَعِمَارَةِ الصَّفِيحِ الْأَعْلَى مِنْ مَلَائِكَتِهِ ، خَلَقَا بَدِيعًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ وَمَلَائِكَةً بِهِمْ فُرُوجٌ فِجَاجِهَا وَحَسَابِيَهُمْ فُتُوقٌ أَجْوَاهِهَا وَبَيْنَ فِجَاجَاتِ تِلْكَ الْفُرُوجِ زَحَلٌ الْمُسَدِّبِحِينَ مِنْهُمْ فِي حِطَائِرِ الْقُدْسِ وَسُتْرَاتِ الْحُجُبِ وَ سُرَادِقَاتِ الْمَجْدِ وَوَرَاءَ ذَلِكَ الرَّجِيحِ الَّذِي تَسَدَّتْ مِنْهُ الْأَسْمَاعُ سِدِّحَاتٌ نُورٌ تَزْدَعُ الْأَبْصَارَ عَنْ بُلُوغِهَا ، فَتَقِفُ خَاسِمَةً عَلَى حُدُودِهَا . وَ أَسْأَهُمْ عَلَى صُورٍ مُخْتَلِفَاتٍ وَأَقْدَارٍ مُتَفَاوِتَاتٍ ، تُسَبِّحُ جَلَالَ عِزَّتِهِ . لَا يَنْتَحِلُونَ مَا ظَهَرَ فِي الْخَلْقِ مِنْ صُدُوعِهِ وَلَا يَدْعُونَ أَنَّهُمْ يَخْلُقُونَ شَيْئًا مَعَهُ مِمَّا انْفَرَدَ بِهِ . « بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ لَا يَسْتَبْقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْلَمُونَ » (26 / انبياء) . جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِيهَا هُنَالِكَ أَهْلَ الْأَمَانَةِ عَلَى وَحْيِهِ وَحَمَلَهُمْ إِلَى الْمُرْسَلِينَ وَدَائِعِ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَعَصَمَهُمْ مِنْ رِيْبِ الشُّبُهَاتِ ، فَمَا مِنْهُمْ زَائِعٌ عَنْ سَبِيلِ مَرْضَاتِهِ . وَآمَدَهُمْ بِفَوَائِدِ الْمَعُونَةِ : وَ أَشَدَّ عَرَفُوبَهُمْ تَوَاضَعِ إِحْبَابِ السَّكِينَةِ وَفَتْحِ لَهُمْ أَبْوَابِ دُلَالٍ إِلَى تَمَاجِيدِهِ وَنَصَبِ لَهُمْ مَنَارًا وَاصِحَّةً عَلَى أَعْلَامِ تَوْحِيدِهِ ، لَمْ تُثْقَلُهُمْ مُوصِرَاتُ الْأَثَامِ وَ لَمْ تَرْتَحِلُهُمْ عُقُبُ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَ لَمْ تَرْمِ الشُّكُوكُ بِنَوَازِعِهَا عَزِيمَةَ إِيْمَانِهِمْ وَ لَمْ تَعْتَرِكِ الظُّنُونُ عَلَى مَعَاوِدِ يَقِينِهِمْ وَلَا قَادِحَةٌ الْأَعْيُنِ فِيهَا

بَيْنَهُمْ وَلَا سَلْتَنَّهُمُ الْحَيْرَةَ مَالِقٌ مِنْ مَعْرِفَتِهِ بَصَدَّ مَائِرِهِمْ وَمَا سَكَنَ مِنْ عَظَمَتِهِ وَهَيْبَةِ جَلَالَتِهِ فِي أَثْنَاءِ صُدُورِهِمْ وَ لَمْ تَطْمَعِ فِيهِمُ الْوَسَاوِسُ فَتَفْتَرَعَ بِرَيْنِهَا عَلَى فِكْرِهِمْ. (1)

سپس خداوند سبحان برای سکونت بخشیدن در آسمان و آباد ساختن بالاترین قسمت از ملکوت خویش، فرشتگانی شگفت آفرید و تمام شکاف ها و راه های گشاده آسمان ها را با فرشتگان پر کرد و فاصله جو آسمان را از آنها گستراند، که هم اکنون صدای تسبیح آنها فضای آسمان ها را پر کرده: در بارگاه قدس، درون پرده های حجاب و صحنه های مجد و عظمت پروردگار طنین انداز است. در ماورای آنها زلزله هایی است که گوش ها را کرد می کند و شعاع های خیره کننده نور، که چشم ها را از دیدن باز می دارد و ناچار خیره برجای خویش می ماند. خدا فرشتگان را در صورت های مختلف و اندازه های گوناگون آفرید و بال و پرهایی برای آن ها قرار داد، آنها که همواره در تسبیح جلال و عزت پروردگار به سر می برند و چیزی از شگفتی های آفرینش پدیده ها را به خود نسبت نمی دهند و در آنچه از آفرینش پدیده ها که خاص خداست، ادعایی ندارند: «بلکه بندگان بزرگوارند که در سخن گفتن از او پیشی

ص: 115

1- خطبه 91 نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی).

نمی گیرند و به فرمان الهی عمل می کنند». خدا فرشتگان را امین وحی خود قرار داد و برای رساندن پیمان امر و نهی خود به پیامبران ، از آنها استفاده کرد و روانه زمین کرده ، آنها را از تردید شبهات مصونیت بخشید ، که هیچ کدام از فرشتگان از راه رضای حق منحرف نمی گردند . آنها را از یاری خویش بهره مند ساخت و دل هایشان را در پوشش از تواضع و فروتنی و خشوع و آرامش درآورد . درهای آسمان را بر رویشان گشود تا خدا را به بزرگی بستایند و برای آنها نشانه روشن قرار داد تا به توحید او بال گشایند . سنگینی های گناهان هرگز آنها را در انجام وظیفه دلسرد نساخت و گذشت شب و روز آن ها را به سوی مرگ سوق نداد . تیرهای شك و تردید خلل در ایمانشان ایجاد نکرد و شك و گمان در پایگاه یقین آن ها راه نیافت و آتش کینه در دل هایشان شعله ور نگردید ، حیرت و سرگردانی آنها را از ایمانی که دارند و آنچه از هیبت و جلال خداوندی که در دل نهادند جدا نساخت و وسوسه های در آن ها راه نیافته ، تا شك و تردید بر آنها تسلط یابد .

وَ مِنْهُمْ مَنْ هُوَ فِي خَلْقِ الْعَمَامِ الدَّلْحِ وَ فِي عَظْمِ الْجِبَالِ السَّمَخِ وَ فِي فَتْرَةِ الظُّلَامِ الْأَيْهَمِ وَ مِنْهُمْ مَنْ قَدْ خَرَقَتْ أَقْدَامُهُمْ تُحُومَ الْأَرْضِ السُّفْلَى ، فَهِيَ كَرَايَاتٍ بَيْضٍ قَدْ نَفَذَتْ ،

فِي مَخَارِقِ الْهَوَاءِ وَتَحْتَهَا رِيحٌ هَفَّافَةٌ تَحْبِسُهَا عَلَى حَيْثُ انْتَهَتْ مِنَ الْحُدُودِ الْمُتَنَاهِيَةِ .

گروهی از فرشتگان در آفرینش ابرهای پرآب و در آفرینش کوه های عظیم و سربلند و خلقت ظلمت و تاریکی ها نقش دارند و گروهی دیگر ؛ قدم هایشان تا ژرفای زمین پایین رفته و چونان پرچم های سفیدی دل فضا را شکافته اند و در زیر آن بادهایی است که به نرمی حرکت کرده و در مرزهای مشخصی نگاهش می دارد .

قَدْ اسْتَفْرَعَتْهُمْ أَشْغَالُ عِبَادَتِهِ وَوَصَلَتْ حَقَائِقُ الْإِيمَانِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَقَطَعَهُمُ الْإِيقَانُ بِهِ إِلَى الْوَلِيِّ إِلَيْهِ وَلَمْ تُجَاوِزْ رَغْبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ . قَدْ ذَاقُوا حَلَاوَةَ مَعْرِفَتِهِ وَشَدَّ رُبُوبًا بِالْكَأْسِ الرَّوِيَّةِ مِنْ مَحَبَّتِهِ وَتَمَكَّنَتْ مِنْ سُوءِ إِدَاءِ قُلُوبِهِمْ وَشَدَّ سِيَجَةَ خَيْفَتِهِ ، فَحَنُوا بِطُولِ الطَّاعَةِ اعْتِدَالَ ظُهُورِهِمْ وَلَمْ يُنْفِذْ طُولُ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ مَادَّةَ تَضَرُّعِهِمْ . وَلَا أَطْلَقَ عَنْهُمْ عَظِيمُ الرُّلْفَةِ رِبْقَ خُشُوعِهِمْ وَلَمْ يَتَوَلَّهِمُ الْأَعْجَابُ فَيَسْتَكْثِرُوا مَا سَلَفَ مِنْهُمْ وَلَا تَرَكَتْ لَهُمْ اسْتِكَانَةُ الْأَعْجَالِ نَصِيبًا فِي تَعْظِيمِ حَسَنَاتِهِمْ . وَلَمْ تَجْرِ الْفَتْرَاتُ فِيهِمْ عَلَى طُولِ دُؤُوبِهِمْ وَلَمْ تَغْضِ رَغْبَاتُهُمْ فَيُخَالِفُوا عَنْ رَجَاءِ رَبِّهِمْ وَلَمْ تَجِفَّ لِطُولِ الْمُنَاجَاةِ أَسْلاَتُ السُّسْتِهِمْ وَلَا مَلَكَتْهُمْ الْأَشْغَالُ فَتَنْقَطِعَ بِهِمْ السُّجُورُ إِلَيْهِ أَصْوَاتُهُمْ وَلَمْ تَخْتَلِفْ فِي مَقَاوِمِ الطَّاعَةِ مَنَاجِبُهُمْ وَلَمْ يَثْنُوا إِلَى رَاحَةِ التَّقْصِيرِ فِي أَمْرِهِ رِقَابَهُمْ وَلَا تَعْدُو عَلَى عَزِيمَةِ جِدِّهِمْ بِلَادَةَ الْغَفْلَاتِ وَلَا

ص: 117

تَنْتَضِلُ فِي هَمَمِهِمْ حَمَائِلُ الشَّهَوَاتِ . قَدْ اتَّخَذُوا ذَا الْعَرْشِ ذَخِيرَةً لِيَوْمِ فَاقَتِهِمْ . وَ يَمَّمُوهُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْخَلْقِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِرَغْبَتِهِمْ . لَا يَقْطَعُونَ أَمَدَ غَايَةِ عِبَادَتِهِ وَلَا يَرْجِعُ بِهِمُ الْأَسَدُ تَهْتَارًا بِلُزُومِ طَاعَتِهِ . إِلَّا إِلَى مَوَادِّ مِنْ قُلُوبِهِمْ غَيْرِ مُنْقَطِعَةٍ مِنْ رَجَائِهِ وَ مَخَافَتِهِ ، لَمْ تَنْقَطِعْ أَسْبَابُ الشَّفَقَةِ مِنْهُمْ ، فَيُنُوا فِي حِدِّهِمْ وَ لَمْ فَأَسِرْهُمْ الْأَطْمَاعُ فَيُؤَثِّرُوا وَ شَيْكَ السَّعْيِ عَلَى اجْتِهَادِهِمْ . لَمْ يَسَّ تَعْظُمُوا مَا مَضَى مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَ لَوْ اسْتَعْظَمُوا ذَلِكَ لَنْسَخَ الرَّجَاءُ مِنْهُمْ شَفَقَاتٍ وَ جَلَّهِمْ .

اشتغال به عبارت پروردگار «فرشتگان» را از دیگر کارها بازداشته و حقیقت ایمان میان آنها و معرفت حق ، پیوند لازم ایجاد کرد ، نعمت یقین آنها را شیدای حق گردانید که به غیر خدا هیچ علاقه ای ندارند . شیرینی معرفت خدا را چشیده و از جام محبت پروردگار سیراب شدند . ترس و خوف الهی در ژرفای جان فرشتگان راه یافته و از فراوانی عبادت قامتشان خمیده و شوق و رعبت فراوان ، از گریه و زاری آنها نکاسته است . مقام والای فرشتگان ، از خشوع و فروتنی آنها کم نکرد و غرور و خودبینی دامنگیرشان نگردید ، تا اعمال نیکوی گذشته را شماره کنند و سهمی از بزرگی و بزرگواری برای خود تصوّر نمایند . گذشت زمان آنان را از انجام وظایف پیایی نرنجانده و از شوق و رغبتشان نکاسته تا از پروردگار خویش ناامید گردند . از

مناجات های طولانی ، خسته نشده و اشتغال به غیر خدا آن ها را تحت تسلط خود درنیاورده است و از فریاد استغاثه و زاری آنها فروکش نکرده و در مقام عبادت و نیایش دوش به دوش هم همواره ایستاده اند ، راحت طلبی آن ها را به کوتاهی در انجام دستوراتش وادار نساخته و کودنی و غفلت و فراموشی بر تلاش و کوشش و عزم راسخ فرشتگان راه نمی یابد و فریب های شهوت همّت های بلندشان را تیرباران نمی کند . فرشتگان ، ایمان به خدای صاحب عرش را ذخیره روز بی نوایی خود قرار داده و آن هنگام که خلق به غیر خدا روی می آورد آنها تنها متوجه پروردگار خویشند ، هیچ گاه عبادت خدا را پایان نمی دهند و شوق و علاقه خود را از انجام اوامر الهی و اطاعت پروردگار سست نمی کنند ، آن چه آنان را شیفته اطاعت خدا کرده بذر محبت است که در دل می پروراند و هیچ گاه دل از بیم و امید او بر نمی دارند . عوامل ترس آنها را از مسئولیت باز نمی دارد تا در انجام وظیفه سستی ورزند . طمع ها به آنان شبیخون نزده تا تلاش دنیا را بر کار آخرت مقدم دارند ، اعمال گذشته خود را بزرگ نمی شمارند و اگر بزرگ بشمارند امیدوارند و امید فراوان نمی گذارد تا از پروردگار ترسی در دل داشته باشند .

وَلَمْ يَخْتَلِفُوا فِي رَبِّهِمْ بِاسْتِحْوَاذِ الشَّيْطَانِ عَلَيْهِمْ . وَلَمْ

يُفَرِّقُهُمْ سُوءَ التَّقَاتِعِ وَلَا تَوَلَّاهُمْ غِلَّ التَّحَاسُدِ وَلَا تَشَعَّبَتْهُمْ مَصَارِفُ الرَّيْبِ . وَلَا افْتَسَمَتْهُمْ أَخْيَافُ الْهَمِّ . وَفَهُمْ أُسْرَاءُ إِيْمَانٍ لَمْ يَفْكُكْهُمْ مِنْ رَبِّقَتِهِ زَيْغٌ وَلَا وَتَى وَلَا فُتُوْرٌ . وَلَيْسَ فِي إِطْبَاقِ السَّمَاءِ مَوْضِعٌ إِهَابٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ مَلَكٌ سَاجِدٌ ، أَوْ سَاعٍ حَافِدٌ ، يَزِدُّونَ عَلَى طُولِ الطَّاعَةِ بِرَبِّهِمْ عِلْمًا وَتَزِدُّونَ عِزَّةَ رَبِّهِمْ فِي قُلُوبِهِمْ عِظْمًا .

فرشتگان درباره پروردگار خویش به جهت وسوسه های شیطانی اختلاف نکرده اند و برخوردهای بد با هم نداشته و راه جدایی نگیرند . کینه ها و حسادت ها در دل هایشان راه نداشته و عوامل شك و تردید و خواهش های نفسانی ؛ آنها را از هم جدا نساخته و افکار گوناگون آنان را به تفرقه نکشاده است .

فرشتگان بندگان ایمانند و طوق بندگی به گردن افکنده و هیچ گاه با شك و تردید و سستی ، آن را بر زمین نمی گذارند، در تمام آسمان ها جای پوستین خالی نمی توان یافت مگر آنکه فرشته ای به سجده افتاده ، یا در کار و تلاش است . اطاعت فراوان آنها بر یقین و معرفشان نسبت به پروردگار می افزاید و عزت خداوند عظمت او را در قلبشان بیشتر می نماید .

فرشته شناسی ، وصف فرشتگان ، حضور ملائکه در همه جا ، ویژگی های ملائکه

حضرت علی علیه السلام می فرماید : مِنْ مَلَائِكَةٍ أَسْكَنْتَهُمْ سَمَاوَاتِكَ وَرَفَعْتَهُمْ عَنْ أَرْضِكَ . هُمْ أَعْلَمُ خَلْقِكَ بِكَ وَ أَحْوَفُهُمْ لَكَ وَ أَقْرَبُهُمْ مِنْكَ . لَمْ يَسْكُنُوا الْأَصْلَابَ وَ لَمْ يُصَمَّنُوا الْأَرْحَامَ وَ لَمْ يُخْلَقُوا « مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ » وَ لَمْ يَتَشَعَّبْهُمْ « رَيْبُ الْمُنُونِ » وَ إِنَّهُمْ عَلَى مَكَانِهِمْ مِنْكَ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ وَ اسْتَجْمَاعِ أَهْوَانِهِمْ فِيكَ وَ كَثْرَةِ طَاعَتِهِمْ لَكَ وَ قِلَّةِ غَفْلَتِهِمْ عَنْ أَمْرِكَ ، لَوْ عَانَيْتُوا كُنْهَ مَا خَفِيَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ لِحَقَرُوا أَعْمَالَهُمْ وَ لَزَرُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَعَرَفُوا أَنََّّهُمْ لَمْ يَعْبُدُوكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ لَمْ يُطِيعُوكَ حَقَّ طَاعَتِكَ . (1)

شگفت آور است آفرینش فرشتگان تو که گروهی از آن ها را در آسمان ها سکونت دادی و از زمین بالا برده ای . آنها از همه آفریدگان نسبت به تو آگاه ترند و بیشتر از همه نسبت به تو بیمناکند و به تو نزدیک ترند ، فرشتگانی که در پشت پدران قرار نگرفته و در رحم مادران پرورش نیافته اند و از آبی پست خلق نشده اند و ناراحتی و مشکلات زندگی آنان را پراکنده نساخته . آنها با مقام و مرتبتی که دارند و از ارزشی که در نزد تو برخوردارند و آن گونه که تو را دوست دارند ، فراوان تو را اطاعت می کنند که اندک غفلتی در فرمان تو ندارند . اگر آنچه

ص: 121

بر آنان پوشیده است بدانند ، همه کارهای خود را کوچک و ناچیز می شمردند و بر خویش ایراد می گیرند و می دانند آن گونه که باید ، تورا عبادت نکرده اند و آن چنان که سزاوار توست فرمانبردار نبودند .

عجز انسان از درك فرشتگان (فرشته مرگ)

هَلْ تُحِسُّ بِهِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلًا؟ أَمْ هَلْ تَرَاهُ إِذَا تَوَفَّى أَحَدًا؟ بَلْ كَيْفَ يَتَوَفَّى الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ! أَيْلِجُ عَلَيْهِ مِنْ بَعْضِ جَوَارِحِهَا أَمِ الرُّوحُ أَجَابَتْهُ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ أَمْ هُوَ سَاكِنٌ مَعَهُ فِي أَحْسَانِهَا؟ كَيْفَ يَصِفُ إِلَهُهُ مَنْ يَعْجَزُ عَنْ صِفَةِ مَخْلُوقٍ مِثْلِهِ؟(1)

آیا هنگامی که فرشته مرگ به خانه ای در آمد ، از آمدن او آگاه می شوی ؟ آیا هنگامی که یکی را قبض روح می کند او را می بینی ؟ بچه را چگونه در شکم مادر می میراند ؟ آیا از راه اندام مادر وارد می شود ؟ یا روح به اجازه خداوند به سوی او می آید ؟ یا همراه کودک در شکم مادر به سر می برد ؟ آن کس که آفریده ای چون خود را نتواند وصف کند ، چگونه می تواند خدای خویش را وصف نماید ؟

درباره ملائکه ثبت کننده اعمال انسان

اعلموا، عباد الله، انّ عليكم رصدًا من انفسكم و عيوننا من جوارحكم و حفاظ صدق يحفظون اعمالكم و عدد

ص: 122

1- خطبه 112 نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

أَنْفَاسِكُمْ ، لَا تَشْتَرُكُمْ مِنْهُمْ ظُلْمَةٌ لَيْلٍ دَاجٍ وَلَا يُكِنُّكُمْ مِنْهُمْ بَابٌ ذُو رِتَاجٍ (1).

بدانید ، ای بندگان خدا که از شما نگهدارانی بر شما گماشته اند و دیدبان هایی از پیکرتان برگزیده و حافظان راستگویی که اعمال شما را حفظ می کنند و شماره نفس های شما را می شمارند ، نه تاریکی شب شما را از آنان می پوشاند و نه دری محکم شما را از آنها پنهان می سازد .

درباره ملائکه و ثبت اعمال بشر

فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِعَيْنَيْهِ وَنَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ وَتَقَلُّبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ . إِنَّ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَإِنْ أَعْلَنْتُمْ كِتَابَهُ : قَدْ وَكَّلَ بِذَلِكَ حَفَظَةً كِرَامًا ، لَا يُسْقِطُونَ حَقًّا وَلَا يُثَبِّتُونَ بَاطِلًا وَاعْلَمُوا « أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا » (2 / سوره طلاق) .

پس بترسید از خدایی که در پیشگاه او حاضرید و اختیار شما در دست او است و همه حالات و حرکات شما را زیر نظر دارد . اگر چیزی را پنهان کنید می داند و اگر آشکار کردید ثبت می کند ، برای ثبت اعمال فرشتگان بزرگواری گمارده که نه حق را فراموش و نه باطلی را ثبت می کنند و بدانید « آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا ترسد ، از فتنه ها نجات می یابد » .

ص: 123

1- خطبه 157 نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی) .

درباره فرشتگان محافظ در زندگی انسان

حضرت علی علیه السلام می فرماید: **إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكَئِينَ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْقَدْرُ خَلَّيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ وَإِنَّ الْأَجَلَ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ. (1)**

با هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ می کنند و چون تقدیر الهی فرارسد، تنهایش می گذارند، که همانا زمان عمر انسان، سپری نگهدارنده است.

ص: 124

1- حکمت 201 نهج البلاغه (با ترجمه مرحوم محمد دشتی).

- 1 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 1 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 2 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 5، ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 3 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 7 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 4 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 10 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 5 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 11 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 6 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 13 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 7 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 14 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .
- 8 _ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش،

جلد 15 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

9_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 17 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

10_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 18 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

11_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 19 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

12_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 20 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

13_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 21 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

14_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 22 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

15_ تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1370 ه ش، جلد 22 ص، چاپ نوزدهم، تیراژ 5000، وزیری .

16_ فرهنگ موضوعی قرآن، خرمشاهی، بهاءالدین، تهران، الهدی، 1369 ه ش، 419 ص، چاپ دوم، تیراژ

5000، وزیری .

17 _ نهج البلاغه، مرحوم دشتی، محمد، مشهد، آستان قدس رضوی، 1381 ه ش، 960 ص، چاپ اول، تیراژ 5000، وزیری .

18 _ قاموس قرآن، آیت الله قرشی، سید علی اکبر، تهران، دارالکتب اسلامیة، 1378 ه ش، 720 ص، چاپ هشتم، تیراژ 3000، وزیری .

19 _ تفسیر جوان، دکتر بیستونی، محمد، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1380 ه ش، جلد 5، 450 ص، چاپ اول، تیراژ 5000، جیبی .

20 _ تفسیر جوان، دکتر بیستونی، محمد، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1380 ه ش، جلد 7، 451 ص، چاپ اول، تیراژ 5000، جیبی .

21 _ تفسیر جوان، دکتر بیستونی، محمد، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1380 ه ش، جلد 10، 409 ص، چاپ اول، تیراژ 5000، جیبی .

22 _ تفسیر جوان، دکتر بیستونی، محمد، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1380 ه ش، جلد 11، 374 ص، چاپ اول، تیراژ 5000، جیبی .

23 _ تفسیر جوان، دکتر بیستونی، محمد، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1380 ه ش، جلد 13، 399 ص، چاپ اول، تیراژ 5000، جیبی .

24 _ تفسیر جوان، دکتر بیستونی، محمد، تفسیر قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1380 ه ش، جلد

ص: 127

15 ، 389 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

25 _ تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، 1380 ه ش ، جلد 17 ، 366 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

26 _ تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، 1380 ه ش ، جلد 18 ، 345 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

27 _ تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، 1380 ه ش ، جلد 19 ، 392 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

28 _ تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، 1380 ه ش ، جلد 20 ، 396 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

29 _ تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، 1380 ه ش ، جلد 21 ، 384 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

30 _ تفسیر جوان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، 1380 ه ش ، جلد 22 ، 387 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، جیبی .

31 _ تفسیر بیان ، دکتر بیستونی ، محمد ، تفسیر قرآن ، تهران ، انتشارات فراهانی ، 1381 ه ش ، جلد 1 ، 464 ص ، چاپ اول ، تیراژ 5000 ، پالتویی .

سیمای فرشتگان

(در قرآن و نهج البلاغه)

به اهتمام: لیلا حمداللّهی

عضو «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» در

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

با نظارت: دکتر محمد بیستونی

ص: 129

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

